**به نام آزادی**

**توضیح :**

**کتابچه ای که ملاحظه میکنید مجموعه ای از مستندات نقل شده از قربانیان باند های مافیایی در زندان اوین و قزالحصار می باشد ، که از نظرتان می گذرد ، نام نویسندگان این کتاب در نزد این مجموعه محفوظ است .**

**این کتابچه توسط مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گرد آوری شده است و استفاده از آن با ذکر منبع بلامانع است .**

## اوین :

امروز وظیفه حکم می کند که وقایع را بنویسم تا شاید تهفه ناقابلی از بخش کوچکی از تاریخ زندان اوین گردد شاید کمتر کسی باشد همچون من در تاریخ زندان اوین که بر اثر حوادث و رخدادها و درگیری های مختلف سرتاسر اوین را گشته باشد و یا گردانده باشند ، از بهمن سال ۱۳۷۶ تا بحال طی ۳ دوره من تقریبا در تمام سالنها و بندها و دخمه های مخوفترین زندان ایران در ۳ دهه گذشته که با نام زندان اوین معروف است بوده ام.

زندان اوین با قدمتی فراتر از ۳۰ سال میزبان هزاران هزار زن و مرد زندانی بوده است. از باندها و گروهها و تشکیلات سیاسی و مافیایی تا سارقین معروف و صاحب نام.

در مورد این زندان که سابقا متعلق به محکومین سیاسی و امنیتی بوده حقایق و افسانه های گوناگونی بر سر زبانهاست که بسیاری از آنها حقایق ناب و بعضی آمیخته با اغراق و دروغ است.

امروز من در مقام یک سرباز واقع گرا در حد توان مظالم جاری در این زندان را با تمام زشتیها و بدیها و حتی حسن و زیبایی هایش مکتوب و نقد می کنم .

باشد که این سند واقعیت مدار دل خوانندگان آنرا وادار به تپش و عرق سرد بر پیشانی متفکرشان بنشانم.
باید بگویم رندان اوین تحت نظر پنج ارکان مستقل اداره می شود و از بندها و سالن های مختلف تشکیل شده است.
بند ۲۰۹ که تحت نظارت و اداره وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی کشور است.
بند ۳۵۰ کارگری و امنیتی که در جنب بند ۲۰۹ و بند نسوان می باشد ، دارای دو طبقه است که زندانیان سیاسی و امنیتی در طبقه پائین این ساختمان می باشند که طبقه پائین دارای ۶ اتاق می باشد این ساختمان متسطر مجموعه ساختمان های ساخته شده از آجر قرمز می باشد که در محدوده آن و پشت به بند ۲۰۹ و نسوان و آشپزخانه و خبازخانه قرار گرفته اند که البته دارای راه مستقل از جهت دسترسی می باشند و تحت نظارت سازمان زندانها و مدیریت زندان است.

سالن ۱ قرنطینه که روبروی درب ورودی و قسمت و واحد اولیه و تحویل زندانیان است و زندانیان از آنجا به زندانهای دیگر استان تهران منتقل و یا به داخل زندان اوین هدایت می شوند.
بندهای ۳۰۰ و ۵۰۰ الف که روحانیون متخلف از نظر نظام در آن نگهداری می شوند و تحت نظر دادگاه ویژه روحانیت اداره می شود.

اندرزگاههای آموزشگاه که شامل اندرزگاههای ۷و ۸ و ۹ می باشد که اندرزگاه ۷ دارای ۶ سالن و اندرزگاه ۸ دارای ۴ سالن و اندرزگاه ۹ در بسته انفردی که دارای یک سالن طولانی و پر از انفرادی است که مشارکتا با ساختمان ۲۴۰ و ۲۴۱ تحت اختیار حفاظت اطلاعات قوه قضاییه دارای یک ساختمان ۴ یا ۵ طبقه می باشند که تمام این ساختمان ۴ یا ۵ طبقه دارای ساختاری نعل اسبی می باشند که مجموعه بزرگی از انواع و اقسام واحدهای دربسته و انفرادی را تشکیل می دهند که البته این مجتمع دارای چندین درب از نقاط مختلف مجموعه است.
آخرین دسته حاکم که بر ۳ اتاق در سالن ۵ حاکمیت دارند که شامل اتاقهای ۱۵۱ الی ۱۵۳ می باشد که در اندرزگاه ۷ است تحت نظارت دادستانی دادسرای نظامی اداره می شود و متعلق به محکومین نظامی و اکثرا با درجات بالا است.
در آخر بند نسوان یا همان بند زنان که در پشت ساختمان بلند بهداری سابق و بیمارستان ۴۸ تخت خوابی فعلی زندان استتار شده که چسبیده به آشپزخانه زندان و بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات است و تحت نظر سازمان زندانها اداره می شود.

## *** مراحل ورود به زندان اوین و بازرسی و اقامت در اندرزگاه ۱ قرنطینه ***

در دادگاه با نوشتن متن قرار توقیف و یا بازداشت و گفتن کلمه انتقال به بازداشتگاه و تحویل به زندان اوین همه ماجرا ها شروع می شود و خصوصا اینکه کسی برای اولین بار قرار باشد به زندان برود و آنهم زندان اوین خلاصه با گناه و بی گناه بیش از ۹۵% زندانیان از قرنطینه زندان اوین به سایر زندانها ترانزیت می شوند مثلا به قزلحصار و زندان رجایی شهر فرستاده می شوند .

مامورین اعزام و بدرقه بازداشتیها از کلانتریها و پاسگاههای انتظامی که بازداشتی ها را می آورند پس از کلی تیغ زدن و گرفتن خرج راه و خرج نهار و کرایه ماشین و پول سبزی و پیاز و نان و ترشی اهل و عیال و ... شما را به درب زندان اوین می رسانند که پس از تحویل به مامورین زندان اوین رسید می گیرند و آز آن لحظه تحویل پنجه های سازمان زندانها می شوید.

در جلوی درب ورودی چند اتاق و چند مامور و سرباز اکثرا جوان وجود دارند و از ماموران مسن و پخته و با تجربه خبری نیست.

تمام تلاش کسانی که تو را به عنوان زندانی تحویل می گیرند فقط این است که به زندانی بفهمانند تو هرکه و یا هر چه بودی در اینجا خریداری نداری و برای رسیدن به این مقصود و کوبیدن میخ عدالت و تسلط کامل از بازرسی بدنی شروع می کنند.

در اکثر مواقع سرباز و یا ماموری که شاید جای نوه یک زندانی است زندانیهای تحویلی را بدتر از عکسهایی که در مورد ابوغریب دیده اید آنها را در برابر یکدیگر لخت مادرزاد میکنند و در صورت اعتراض و در نیاوردن لباس با ضربات پی در پی چک و لگد و باتوم مشکل مقاومت و اعتراض را حل می کنند و اگر کمترین مقاومتی باقی باشد آنقدر بشین و پاشو می دهند تا از پای در آید و برای بیشتر ترور شخصیت کردن بدون در نظر گرفتن سن وسال و شخصیت و حتی نوع جرم فقط برای تحقیر کردن در برابر سایرین و فهماندن میزان قدرت و اختیارات می گویند از کمر خم شو و جوری با دستانت گوشتهای باسنت را به طرفین بکش که من مقعد تو را ببینم و بعد با در دست کردن دستکش پلاستیکی در برابر چشم سایرین با انگشت مقعد فرد را بررسی می کنند.

در اکثر مواقع این موارد موقعی پیش می آید و رخ می دهد که هر فرد در حین بازرسی نخواهد باج دهد مثلا در موقع بازرسی به طور علنی مقداری از پولهای شما بی سر و صدا برای اینکه ضرب و شتم نشوید و یا اعمال تحقیر آمیز بالا رخ ندهد مصادره می شود و البته به همراه سایر اقلام خصوصا سیگار و فندک که پس از ضبط از شما یا بین مامورین تقسیم و یا به سیگار فروشیهای اطراف فروخته می شود.

خمیر دندان و مسواک و شامپو و صابون و عطر و ادکلن بقولی مصادره می شود و آگر اعتراض کنی تازه کارها شروع می شود و عوارض آن اینکه اگر حتی ساک و یا کت و شلوار و یا کاپشن و کفش گرانقیمت داشته باشی بدون هیچ ملاحظه ای به بهانه های مختلف آنها را در جلوی چشمانت با تیغ تکه تکه و پاره می کنند و حق اعتراض هم نداری خصوصا اینکه باید با همین لباسها تحمل حبس نمایی و یا کفش ات را با کندن پاشنه و بریدن کف آن تحویل می دهند.

تازه پس از اتمام همه این مراحل به همراه سایر زندانیان پس از ساعتها معطلی در واحد انگشت نگاری و عکس برداری و اتاق ۱۶ متری منتقل می شویدکه در بعضی مواقع بیش از ۵۰ نفر در حالی که تعدادی از آنها بر اثر کمبود هوا غش می کنند منتقل می شوی تا زمانی که به اندرزگاه ۱ قرنطینه منتقل شوی.

اندرزگاه ۱ در ۵۰ متری درب ورودی قرار دارد که شامل ۷ اتاق بزرگ است که کلیه کارهای نظافت و رسیدگی آنرا عدهای افغانی بدبخت که اکثرشان به جرم اقامت غیر مجاز بازداشت هستند تشکیل می دهند که حتی بعضی

از آنها تا بیش از ۱ ماه فقط به خاطر اینکه کسی مشتاق به انجام کارهای سخت نیست از آنان بی گاری می کشند.

قرنطینه یکی از مراکز اصلی فعالیت مافیای زندان است چون در اصل مرکز نقل و انتقال موقت است و تقریبا تنها جایی است که به طور رسمی در آن پول وجود دارد تا زمانی که پولها دریافت شود و به کارت اعتباری تبدیل شود. کارت اعتباری که فروخته می شود از وجه زندانی بر مبنای مقدار واریزی مالیات کسر می شود.
خلاصه اقامت در اندرزگاه ۱ قرنطینه از یک شب تا چند شب می تواند باشد.
مافیای مواد مخدر و همچنین خرید و فروش وقت تلفن از همه جای زندان فعالتر است.
کسانی که در این بازداشتگاه موقت هستند ترکیبی از تمام جرایم می باشند از کلاهبرداری و جعل و سرقت و قتل تا سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف و قاچاق مواد مخدر و یا قاچاق دارو و سایر جرایم متشابه که هرازگاهی متکدیان و ارازل و اوباش و حتی متهمین جرایم امنیتی نیز اشتباها برای نقل و انتقال از آنجا سر در می آورند.
همانگونه که تمام اندرزگاههای زندان خصوصا قسمتهایی که در اختیار سازمان زندانها است سرقفلی نامریی دارند اندرزگاه ۱ هم به تناسب اهمیت دارای سرقفلی می باشد.

تمام کارهای خلاف به صورت سازمان یافته و با هدایت وپشتیبانی انجام می شود از خرید و فروش مواد مخدر تا خرید و فروش کارت تلفن و یا سرکیسه کردن و یا فروش تایم تلفن.
برخی موارد ۵ دقیقه تایم تلفن آنهم با کارت تلفن خود شخص به مبلغ هزار تومان فروخته می شود.
البته از حق نباید گذشت که اندرزگاه ۱ قرنطینه ارزانترین بازار توزیع مواد مخدر را در زندان به معتادان دارد چون مواد مخدر با پول نقد معاوضه می شود و مشکل ساز نیست و تقریبا هرویین یا کراک با قیمت گرمی ۴۰ هزار تومان و تریاک با گرمی ۱۴ الی ۲۰ هزار تومان خرید و فروش می شود.

تا ۴ سال پیش در هنگام ورود به قرنطینه در طی ۴۸ ساعت اقامت چندین بیماری را با خود سوغاتی می بردی ولی به لطف محمد خردادیان مربی رقص لس آنجلس نشین که آقایان منحرف می دانندش از آقایان عبا و قبا و عمامه پوش شریفتر عمل نمود و با پرداخت مبالغی اندرزگاه ۱ قرنطینه را سنگ کاری و برای تخت خوابهای قرنطینه سفارش تشک ابری و ملحفه داد و انرا به قرنطینه اهدا نمود که این عمل او تا بحال ماندگار مانده و دهن به دهن می چرخد به ویژه تعمیرات سرویسهای بهداشتی و غذا خوری .

فروشگاه قرنطینه غوغا می کند خصوصا اینکه مستقیما توسط اولیای اندرزگاه هدایت و اداره و .... می شود و خیالشان راحت هست که همه افراد بازداشت موقت هستند و صدایشان به جایی نمی رسد و اجناس و قیمتهای دلخواه عرضه می شود.

دلالان سر سخت فعال هستند که البته اصولا و اصالتا برای این منظور از میان کار چاق کن های حرفه ای اندرزگاهها انتخاب و به قرنطینه اعزام می شوند .
در قرنطینه از بهداری و دکتر و بهداشت خبری نیست یک شب اقامت مساویست با همراه بردن صد در صد شپش پتوها و ملحفه ها همچنین بوی نم و کثافت و چرک می دهد ولی در هر حال اقامت اجباریست.

اکثر تختها و ملحفه ها و و حتی موکت ها ی اتاقها بر اثر استفراغ پی در پی معتادان که دچار تشنج شده اند کثیف شده. خلاصه آشوبی در این آشفته بازار است دیدنی و شنیدنی خصوصا شبهای اقامت در قرنطینه که زندانیان از تمام جرایم و فرقه ها در اتاقها به طور دسته جمعی کنار هم هستند.

از اول شب تا نزدیکهای صبح اکثر افراد بر اثر هیجانات زندان و بازداشت بیدار هستند و در مورد افسانه ها و حتی حقایق و رخدادهای زندان اوین و دیده ها و یا شنیده ها و نقل قولها صحبت می کنند.

در اصل قرنطینه زندان اوین مرکز اصلی ترانزیت افکار ضد حاکمیت و تبلیغ علیه نظام است که در آن از قتلها و اعدام ها و زنده بگور کردنهای دسته جمعی و تجاوز به نوامیس و دختران فعال سیاسی توسط پاسداران و به

دستور حاکمین شرع صحبت و بحث می شود ، که در اکثر مواقع این حرفها هیجانات دیدنی ایجاد می کند که با فحش به سران حکومت و آخوند ها به پایان می رسد.

خصوصا اینکه کسی با جزییات مراحل تجاوز به دختران و زنان را قبل از اجرای اعدام توسط مامورین شرح می دهد و می گوید که چون دختر باکره را نمی توان اعدام کرد مامورین دسته جمعی به آنان تجاوز می کردند و صورتجلسه می کردند که برای دختر اعدامی عروسی گرفتند و بکارتش را برداشتند و یا از دادن دوغهای مسموم و آغشته به سیانول برای قتل عام زندانیان سیاسی و یا جمع کردن آنها در استخر سنگی و به رگبار بستنشان تعریف می کنند و حتی عده ای می گویند که چند گور دسته جمعی در جاده خاوران تهران کشف شده که قبر قبرستان اعدامهای سیاسی شهریور ۱۳۶۷ است. ( این نقل قول از زندانیان است و نویسنده آنرا تائید و یا تکذیب نمی کند )
خلاصه دیدن افراد در حال نقل قول و تعریف جنایات حاکمیت در زندان اوین حال و هوای دیگری دارد که قابل وصف نیست.
پس از سپری کردن یک شب اقامت فردای آن روز اتوبوس ها و مینی بوسها آماده انتقال می شوند.
تعدادی اتوبوس متهمین را به زندان قزل حصار و عده ای را به ندامتگاه کرج و عده ای را به زندان رجایی شهر و مابقی را بنا به فراخور حال به آموزشگاه زندان اوین انتقال و یا تحویل می دهند.

****** ورود به آموزشگاه ******

پس از طی مراحل قرنطینه سپس زندانیان را وارد اجرای احکام میکنند و با مینی بوس به آموزشگاه و واحد بازرسی جلوی درب ورودی آموزشگاه تحویل می دهند.
در قسمت بازرسی پیش از ورود زندانیان ۲ دسته می شوند.
مایه دارها و دست به جیب ها و چاق و چله ها به اندرزگاه ۷ وکم مایه تر ها و فقیر ترها به اندرزگاه ۸ انتقال داده می شوند.
تازه در این مرحله بازار برده فروشها به راه می افتد و وکلای بندها که تحت نظر سر وکیل بند هستند دست به کار می شوند.
وضعیت و سر و وضع و برگه های بازداشت و نوع اتهام و مقدار قرارها را بررسی میکنند و گربه های اشرافی و گاوهای شیرده و دست به جیب ها را که بایسد دوشیده شوند را جدا و به سالنها ی ۵ و ۶ که نگین زندان اوین هستند خصوصا سالن ۶ که اقامتگاه رجالی مانند : شهرام جزایری و از این طیف بوده منتقل می کنند که حتما باید دارای اسم و رسم و جرایم میلیاردی باشند.
در رتبه بعدی سالن ۵ با یک درجه پایین تر و به ترتیب سالن ۳و سالن ۴ و سالن ۲ و سالن ۱ قرار دارند.
در صورتی که کسی اشتباها جایی هست که نباید باشد سریعا برای نقل و انتقال این زندانی رایزنی انجام می شود که البته همه این سلسله مراتب در اندرزگاه ۸ نیز به همین ترتیب مراعات می شود و زندانیان را به نسبت سبک و سنگینی و قابل تیغ زدن بودن در سالنها جای می دهند به ترتیب سالن ۸ و سالن ۷ و سالن ۱۰ و سالن ۹ که آخرین سالن در درجه بندی است.

***** وضعیت سالنها و امکانات *****

پس از مسایل مربوط به بوچاری زندانیان و کیفیت و مرغوبیت جیبهایشان وکلای بندها تازه ورودها را به نمازخانه سالنها می برند و از طریق سر وکیل بند و رابطین مخصوص مستقر در کادر مدیریت و ریاست از وضعیت افراد تازه وارد با خبر می شوند و اگر طرف خیلی پول دار بود و قابل دوشیدن به سرعت به اتاق وکیل بند انتقال می یابد تا زمانی که بازده داشته باشد و بتوان آنرا تیغ زد ولی اگر کمی از درجه ممتاز کمتر باشد به اتاقهای اشرافزادگان در سالن منتقل می شود که در سالنهای بزرگ ۲ اتاق و در سالنهای کوچک ۱ اتاق ویژه می باشد که باز مابقی اتاقها به نسبت درجه بندی شده هستند.

هر سالن تشکیل می شود از خدمات سالن _ ناظرین سالن _ مسوول اتاقها _ معاون وکیل بند _ وکیل بند سالن _ سر وکیل بند سالن که مجموع وظایف همه این افراد این است که در آمد های حاصل از چپاول زندانیان را تحت هر عنوان دریافت و دست به دست چرخانده و به بالاترین شخص در هرم قدرت اندرزگاه برسانند.

از گرفتن همیاری و کمک به نام زندان که با عناوین هزینه عمران و نوسازی و بازسازی از طریق وکیل بند و سروکیل بند اخذ می شود تا حق سالن و هزینه ورودیه و هفتگی که به تناسب دریافت می شود.

شاید بسیاری از افراد فکر می کنند در زندانی مثل زندان اوین که مهمترین زندان ایران است و در و دیوار آن پوشیده شده از سنگ و کاشی و سرامیک و یا اتاقها پرده کاری شده و سرویسهای بهداشتی مرتب وتمیز وجود دارد همگی به همت دولت به وجود آمده و یا ساخته و پرداخته شده است ولی متاسفانه اینطور نیست.

می توان با آسودگی خیال در مورد تک تک وسایل و امکانات موجود در سالنها قسم خورد که به غیر از چند تخته پتوی دولتی که حتی سگ را زیر آن بیاندازی از زیرش فرار می کند و اکثرا در زندانها عامل ناقل بیماری پوستی و خصوصا سل بوده است هیچ چیز دیگری به طور دولتی در اختیار زندانیان نیست که حتی زندانیان آن پتوههای دولتی را جمع کرده و کنار گذاشته اند ، شما در سالنها تلویزیون و یخچال و یا تلفنی که دولت هزینه نصب آنرا پرداخته باشد نمی بینید.

تلفنهای دولتی با گرفتن مبالغ گزافی در سالنها نصب شده است که زندانیان از طریق خانواده های خود پرداخته اند ، تمام هزینه های شارژ و یا نصب و راه اندازی امکانات از طریق زندانیان پرداخته می شود ، البته از حق نباید گذشت هرازگاهی که فاصله تحویل امکانات به ۳ ماه می رسد امکانات خاص دولتی در اختیار زندانیان قرار می گیرد و آن شامل یک قوطی پودر رخشویی می شود که سهمیه ۲ نفر است و یک قالب صابون نامرغوب که حتی برای شستن دست پس از توالت نیز به درد نمی خورد.
خلاصه اینجا زندان اوین شهر بی کلانتر است و همه چیز پولی است!!!

**** دریافت باج با نام هم یاری و خود یاری ***

در بدو ورود یک اصطلاح هست به نام گلدان زدن یا زور گیری که به این معنی است که بر سر فرد تازه وارد چنان گلدان بزنند که سرش گیج برود که به همان باج گیری محترمانه و بی صروصدا اطلاق میشود.

پس از بررسیها و مقدار قرار صادره از دادگاه و نوع جرم افراد را از طریق وکیل بند به تله می اندارند و دعوت می نمایند که این کارها با چراغ سبز متولیان اندرزگاه انجام می شود و با چرب زبانی مثلا در جلسه ریش سفید مدارانه ای که افراد را جمع کرده اند یک دفتر می گذارند وسط و می گویند :
آقایان می خواهیم برای حسینیه فرش بخریم و یا برای سالن پرده بخریم و یا لوله کشی را تعمیر کنیم و یا برای حیاط صندلی بخریم و یا محوطه سازی کنیم و یا کف سالن را سرامیک کنیم و یا لامپها را عوض کنیم حالا از شما کمک و همیاری می خواهیم.

بعد سر وکیل بند و یا وکیل بند افراد را با اسم دعوت به پرداخت همیاری می کنند و چون بتوانند به طور مداوم از این گاو شیرده بدوشند و اربابان خود را راضی نگه دارند تمام این مراحل را با وسواس و مهارت و دقت خاصی انجام می دهند و تیغ زنیها از چند صد تومان آغاز شده و در برخی موارد به چند ده میلیون می رسد که بیشتر این جلسات سیاهکاری توام با بازار گرمی عده ای میاندار و کار چاق کن است.

حاج آقا خدا خیرت دهد تو را پانصد هزار تومان و یا حاج آقا شما را ۱ میلیون و یا حاج آقا شما را ۱۰ میلیون در نظر گرفته ایم خلاصه بد بخت حاج آقا که پس از اتمام جلسه تیغ زنی و کسر کمیسیون سیاهکارها و کار چاق کن ها و دست اندر کارهای جز مابقی قضایا که شامل دریافت مبالغ متعهد شده است به عهده گردانندگان

اصلی است که مبالغ به شماره حسابهای محرمانه که دراختیار آقایان قرار می گیرد پرداخت و منتقل می شود و افرا د پشت پرده مالکین اصلی مبالغ دریافتی هستند.

اما اگر کسی زرنگ بازی در بیاورد و نم پس ندهد پس از چند روز از جلسه گلریزان برای سران زندان شخص زرنگ را در اولین قدم از اتاق وکیل بند و یا اتاق اشرافی ها به اتاق اراذل منتقل می کنند تا حسابش را برسند و یکی دوشب کف خواب باشد و دمپایی به سرش بزنند و یا لباس و سایر وسایلش گم شود و دیگر نتواند طعم ملاقات حضوری را بچشد تا بفهمد چند روزی که با تمام امکانات و ناز و نعمت در اتاق های اشرافی و یا اتاق وکیل بند بوده هزینه دارد و باید هزینه ها را بپردازد البته این ماجرا زیاد طول نمیکشد پون برایش سفارش می فرستند که اگر می خواهی راحت زندگی کنی باید حق حساب و اجاره ات و مالیات بپردازی که در بیشتر مواقع این عملیات ها به نتیجه می رسد و افراد سرکیسه را شل می کنند که برخی موارد این کیسه زیاد شل می شود و تا ۲۰ میلیون تومان برای شخص خرج بر میدارد و این اعمال و تیغ زنی ها ی محرمانه و ماهرانه با استادی و پنهانکاری خارق العاده طراحی و اجرا می شود.

****** سرقفلی هفتگی و ماهیانه *****

در سالنها و اندرزگاه های سیاسی به کار میرود که افراد هرچه بیشتر برای زندگی نیاز به واریز کردن پول داشته باشند و طوری زمینه فراهم می شود که زندانی به این نتیجه برسد که اگر از خارج زندان نتواند برای مخارج پول به زندان منتقل کند به مشکل بر میخورد. و محل اصلی خرج کردن این مبالغ که منبع اصلی کسب درآمد برای مافیای زندان است چند گلوله محسوب می شود اول از طریق مافیای مواد مخدر و بعد کار چاق کنها و در دست آخر که بی سرو صدا ترین محل دریافت مبالغ و موجودی زندانیان است فروشگاه است.

اکثرا وکیل بندها با چراغ سبز سر وکیل بند و بالا دستیها افرادی را در نظر می گیرند که کار دلالی و بر قراری ارتباط را انجام دهند که از کمک وکیل بند و ناظرها شروع می شود که از آنها در هر سالن از سالن کوچک تا بزرگ بازار مواد مخدر را در اختیار ۲ الی ۴ نفر قرار می دهند و انها را بصورت دورا دور مورد حمایت امنیتی خود قرار می دهند و هرگونه اطلاعات بازدید و بازرسی غیر مترقبه و یا حتی اطلاعات افراد مشکوک به مخالفت با خرید و فروش مواد مخدر را در اختیار خلافکاران قرار می دهند و به ناظرین شب و روز و سایر زیر دستان توصیه می کنند که امنیت افراد فعال را تضمین کنند و به طور جداگانه ای حق الحساب خود را بگیرند با این اوصاف سر وکیل بند و وکیل بند ها در برابر سر قفلی در یافتی کارهای نقل و انتقال پول و یا کارت اعتباری و یا مشکلات پیش امده و حتی درگیریهای بر اثر معاملات مواد مخدر را حل و فصل می نمایند و حتی به سران مافیای زندان به ویژه مواد مخدریها تضمین می دهند که حتی در صورت کشف مواد مخدر تمام تلاش خود را برای پایان دادن بی سرو صدای قضیه می کنند که البته در موارد استثنایی چنین حمله ای بی برنامه ای رخ می دهد که متولیان حفاظتی مافیا در اندرزگاه و سالنها بی خبر بمانند.

و البته در مواردی هم به عمد اطلاعات مربوط به بازرسی را به بعضی از افراد فعال نمی دهند ؟
افرادی که از رده خارج شده اند و یا پر و پیمانه شده اند و به قول خودشان شناخته شده و تابلو شده اند. در برابر این افراد با طراحی عملیات سوری توقیف و یا کشف مواد فرد از رده خارج شده را از طریق کار چاق کن ها از چند میلیون تا چند ده میلیون تیغ می زنند و سرش منت می گذارند که ما تو را نجات دادیم و تو دیگر تابلو شده ای و شناخته شده هستی و باید بروی کنار و پس از این قضایا فرد را با برنامه ریزی یا به مرخصی می فرستند و یا ترتیب انتقالش را می دهند تا مشکل ساز نشود.

مسوولین اتاق ها موظف هستند افراد پولدار و پنهان مانده از دید سر وکیل بند و وکیل بند ها را معرفی نمایند و اگر مشکوک شدند کسی خارج از برنامه مخفیانه و بدون حق حساب خلاف می کند برای دریافت حق حساب و مالیات معرفی نمایند و در قبال این خوش خدمتی وکیل بند با چراغ سبز متولیان زندان به مسوولین اتاقها اجازه می دهد که با در نظر گرفتن اتاق های اشرافی و درجه پایین تر از زندانیان خصوصا تازه واردها عوارض و حق حساب بگیرند.

حق سالن و ورودیه که در بیشتر موارد زندانی تازه وارد که از آمدن به زندان ترسیده و شوکه شده تا بفهمد که چه خبر شده سرکیسه اش می کنند .

ورودیهای سالن و اتاق از ۵ هزار تومان در هر مورد تا ۱۰۰ هزار تومان پیش می رود که با اسامی گوناگون در یافت می شود پول نظافت _ پول پرده _ پول فرش _ پول سرویسهای بهداشتی و هزینه خدمات که البته به غیر از تیغ اولیه است که مربوط به ورودیه و حق سالن هر زندانی بدون استثنا از ۳ هزار تومان تا ۴۰ هزار تومان در هر هفته به مسوولین اتاق حق شارژ می پردازد که مسوولین اتاقها با نظر مساعد و چراغهای سبز نامریی پشت پرده پس از کسر حق حساب خودشان مابقی را در اختیار وکیل بند قرار می دهند و زنجیر وار او هم پس از کسر مالیات بر درآمد خودش مابقی را به رده های بالاتر مدیریت کننده در اندرزگاه تحویل میدهد تا به صاحب اصلی شبکه مافیای زندان برسد و هر گونه اعتراض به این سیستم آنقدر کوبنده پاسخ داده می شود که محکمترین افراد را وادار به اطاعت و پرداخت حق حساب و حق حیات می نماید.

اعتراض در مورد اخذ عوارض و مالیات جرمی کمتر از سب النبی و یا مفسد و فی الارض و محاربه با خدا محسوب نمی شود. و سریعا مدعی باید تنبیه و نا بود و سرکوب شود تا درس عبرتی برای سایرین شود و برای اجرای این دستورات افراد خود فروخته بسیاری وجود دارند که در خدمت افراد نامریی هستند که سرکوبها را هدایت و اجرا می کنند .
البته موارد نادری هم پیش می آید که تا مدتی مافیا درمانده می شود و با احتیاط و شدت کمتر عمل می نماید مانند زمانی که مدت کوتاهی کمال زارع رییس زندان اوین در سال ۸۵ بود که خیلی ها آرزوی نابودی او را داشتند و بر اثر اتفاق خداوند دعای مافیای زندان را مستجاب کرد و فرار شهرام جزایری باعث تعویض کمال زارع شد.

یکی از ضربات کمال زارع به مافیای زندان نظارت بر نرخ فروشگاهها و سرکوب حق حساب بگیر ها و جابجایی پی در پی سران مافیای زندان به ویژه رییس اندرزگاهها برای اینکه فرصت تبانی و تشکیل باند نداشته باشند و از همه مهمتر در یافت مبلغ ۶ میلیون تومان برای آوردن خطوط سانترال بود که این حرکت تیر خلاص را به پر درآمد ترین منبع مافیای زندان زد چون در هر سالن تعدادی تلفن بود که با چراغ سبز رووسای اندرزگاهها از این امکانات رفاهی زندانیان به جای وسیله آسایش به عنوان ماشین تولید پول استفاده می شد.

در سالنهای درجه ۳ زمان تلفن های فوق از دقیقه ای ۱۰۰ تومان و در سالنهای در جه ۱ مانند سالنهای ۵ و ۶ زمان تلفنها تا دقیقه ای ۳۰۰ تومان خرید و فروش می شد که البته کارت اعتباری تلفن را خود مکالمه کننده تهیه می کرد.
در هر سالن ۴ دستگاه تلفن آزاد هر کدام ۱۴ ساعت بازده داشتند که به طور خالص تحویل مافیای حاکم بر مدیریت می شد. حالا شما حساب کنید که چه خبر بوده تا زمانی که مدیریت سابق یکی از دکانهای مافیا را تعطیل کرد؟!!
قضاوت کنید در جایی که خیلی ها فکر می کنند همه چیز مجانی و رایگان است چه زالو هایی از درماندگی و بی سر پرستی افراد و عدم نظارت و بی کفایتی نهادهای بازرسی و حقوق بشر سو استفاده نموده و مردم را حتی در زندانها به صلابه می کشند.
جالب اینجاست که حتی اتباع خارجی فاقد ملاقات هم از این حق حساب ها و مالیاتها معاف نبودند که پس از خامي زاده و کمال زارع هر دو ریاست سابق زندان اوین این مالیاتها حذف شد ولی با ورود مدیریت جدید و عدم اطلاع او از اوضاع و شبکه های مافیایی که در تاخیر چند ماهه در معرفی رییس جدید حسابی پول به جیب زده اند تعهدات فراموش و در طی چند هفته تمام مالیاتهای عقب افتاده را از تمام اقشار زندانیان حتی خارجیها دریافت کردند.
خلاصه اقامت و آمدن به اوین عوارض و مالیات و حق حساب و هزینه کار چاق کنی و ورودیه اتاق و هفتگی و ماهیانه و حق شارژ دارد که همه را باید بپردازید و اگر هم ندارید باید در واحد خدمات سالنها کار کنید و کف دستشویی ها و سالنها و یا محوطه را بشویید و یا ظروف و لباسهای زیر و و روی آقایان رجال زندان را بشویید تا بتوانید زنده بمانید و زندگی کنید.

## **** وضعیت فروشگاه ها و تعاونی زندان  قلب تپنده مافیا ****

**تا چند سال اخیر مسایل مربوط به مایحتاج زندانیان و تهیه اجناس فروشگاهها تحت اختیار واحد تعاونی و تحت نظارت سازمان زندانها و دولتی بود که اجناس را از بازار تهیه و با نرخ مصوب و با کمترین استثنایی می توانستند در درآمد دخل و تصرف داشته باشند لذا بیش از ۵۰ درصد کالا ها از نوع کالاهای مرغوب و استاندارد بود که تقریبا با وضعیت عادلانه زندانیان از امکانات آن استفاده می کردند. به ویژه در مورد سبزیجات و میوه که به قیمت مناسب در اختیار زندانیان قرار می گرفت و با تفاوت قیمت کمی عرصه می شد.**
**ولی در چند سال اخیر به ویژه با کنار گذاشته شدن آقای بختیاری (رئیس سابق سازمان زندانها) بسیاری از مسایل تغییر کرده است. بیشتر متولیان زندانها به زندانیان علاوه بر متهم و محکوم و مجرم به دید دستگاه تولید ثروت و پول برای خود و دوستان ریز و درشتشان نگاه می کنند.**
**زندانی کسی است که باید در طول اقامتش در زندان به هر قیمتی پول تهیه و برای زندگی به زندان منتقل نماید که یکی از علایم پیگیری این هدف واگذاری بسیاری از امور زندانها به ویژه در استان تهران به بخش خصوصی و پیمانکاران است که مشکلات غیر قابل باوری را برای زندانیان ایجاد می نمایند.**

**در مقوله فروشگاه بنا به آخرین اخبار تمام واحد های سرویس دهی واحد تعاونی سابق که به فروشگاه های کلیه زندانهای تهران سرویس می دادند امروز واحد خصوصی که منشعب از مافیای تولید ثروت از طریق زندانیان است  مسلط شده و با مناقصه های فرمایشی در قبال مبلغ ماهیانه ۸۰ میلیون تومان اختیارات واحد تعاونی سابق زندانهای استان تهران در اختیار واحد خصوصی قرار گرفته  که شامل تهیه و انتقال و توزیع اقلام فروشگاهی و اداره فروشگاهها در زندانها می باشد که بنا به اظهارات صریح متولیان امر  و به ویژه  بازرسان زندان که در قبال اعتراضات عموم زندانیان به عدم سرویس دهی مناسب و قیمتهای نامناسب فروشگاهها در پاسخ مدعی هستند که شرکت تعاونی به بخش خصوصی اجاره داده شده و بخش خصوصی حق اعمال نظر و اعمال سلیقه در مدیریت را دارد چون مبلغ ۸۰ میلیون تومان اجاره ماهیانه می پردازد و ۸۰ میلیون هم زیرمیزی می دهد! و بیش از ۸۰ میلیون به بالا هم هزینه های  جانبی دارد که باید از قِبیل زندانیان و از طریق اداره فروشگاهها و تعاونی بدست آورد و واحد نظارت و بازرسی  و حتی بالاترین مقامات هم قادر به دخالت در امور تعاونی و مسائل مربوط به آن نیستند که مطمئنا چنین نمی تواند باشد چون صراحتا در قوانین  مربوط به حق و حقوق زندانیان وظایف رییس زندان در مورد نظارت در امور تعاونی و فروشگاهها بنا به مواد و آیین نامه سازمان زندانها درج و شرح وظایف شده که البته دستهای چرب که سبیلها را چرب می کنند و به حسابهای مخفی پول می ریزند تمام این ماده تبصره و قوانین را به لجن می کشند.**

**چون مستاجرین پیمانکار نمای واحد تعاونی زندانها ی استان تهران برای اینکه تمام هزینه های مستقیم و غیر مستقیم  را بپردازد و در ته قضیه با اینهمه بگیر و ببند و فرصت کم که بیشتر قراردادها یکساله است پیزی برایشان بماند به هر کار خلاف و ظلمی دست می زنند. از آوردن کالاهای بسیار نامرغوب تا اجناس ضایعاتی و دور ریختنی و حتی خطرناک برای سلامت زندانیان! شاید باور نکنید در زندان آنهم در زندان سرزمینی که سراسر آنرا باغات میوه و نعمتهای مختلف فراگرفته زندانیان ماهها کمپوتهای ساخت چین را که نه تاریخ مصرف دارد و نه معلوم است که ذاتا چه مواد غذایی دارد و از کجا آمده و بر چه مبنایی قیمت گذاری شده  و برخی اوقات تا ۳ برابر قیمت بهترین کمپوت ایرانی است را تهیه و مصرف می کنند.**

**حتی برخی از خشکبار مورد استفاده و عرضه شده چینی و ضایعاتی است!!!**
**قابل توجه است که بدانید بیشتر کالاهای مصرفی در زندان بیشتر محصولات کارگاههای غیر قانونی و قلابی و غیر بهداشتی و تایید نشده از طریق مجاری قانونی و فاقد استاندارد می باشد که حتی پروانه ثبت و بهداشت ندارند و فقط از جهت اینکه کسی نمی تواند در زندان اعتراض کند به طور تحمیلی به زندانیان عرضه می شود.**
**بیشتر مواد غذایی تاریخ مصرف نزدیک با فاسد شدن ۱ روز تا ۱ ماه که با پایینترین قیمت حتی تا یک پنجم قیمت در بازارهای مواد غذایی خیابان مولوی خرید و فروش می شوند از غرفه های فروشگاههای زندان سر در می آورند. از کاسه بشقاب و حتی لیوانهای ضایعاتی بازار گرفته تا شانه و برس و انواع و اقسام صابون و**

شامپو مجهول الهویه و یا انواع و اقسام آبمیوه های غیر استاندارد و درجه ۳ و تاریخ نزدیک و حتی تاریخ مصرف گذشته آنهم با ۵۰ الی ۳۰۰ درصد گرانتر از قیمت مرغوبترین کالا از همان خانواده ، در زندان نوشابه ها و آبمیوه هایی می خریم که شاید اسمش به گوش کمتر کسی در بدترین جاهای ایران رسیده باشد.

ضایعات بازار میوه و تره بار که هر لحظه امکان خراب شدن و ریخته شدن جلوی دام و طیور را دارند به زندانیان داده می شود. سبزیجات پلاسیده و غیر قابل استفاده و گوجه و خیار های گندیده که فقط به درد رب گوجه می خورد البته هرازگاهی بنا به مصالح میوه درجه ۲ هم می آورند که حداقل عریضه خالی نباشد .

در فروشگاهها سنگ ترازوی ۱ کیلویی نداریم تمام اجناسی که به نام و مقیاس ۱ کیلو سنجیده می شوند به مقیاس حقیقی ۷۰۰ الی ۸۵۰ گرم به جای هر کیلو سنجیده می شود و کسی هم حق اعتراض ندارد از فاکتور و لیست مشخص برای خرید خبری نیست تا شما با مشاهده آن بتوانید اعتراض کنید و یا مدرکی برای اعتراض داشته باشید.

البته آقایان خامي زاده و کمال زارع روئسای مخلوع زندان اوین با انعکاس فشار زندانیان مسوولین فروشگاهها و تعاونی را وادار کرده بودند که حداقل در قبال کالاهایی که می فروشند فاکتور فروش صادر نمایند که با رفتن آقایان فوق ، آش همان آش و و کاسه همان کاسه شد و متولیان مافیایی که نان و آبشان به خطر افتاده بود با نقل و انتقال و سرکوب و زهره چشم گرفتن از معترضین به عملکرد فروشگاهها پرونده اعتراض به قیمتها و عدم مرغوبیت کالاها و صدور فاکتور برای خرید را مختومه نموده و بستند .

شاید قابل باور نباشد وقتی در روزنامه رسمی کشور قیمت میوه و تره بار را می بینید مثلا وقتی که گوجه فرنگی حدود کیلویی ۳۰۰ تومان و خیار ۳۲۰ تومان است در زندان خیار را کیلویی ۱۵۰۰ تومان و گوجه فرنگی را کیلویی ۱۱۰۰ تومان می دهند و یا سیب درجه ۳ لک دار را کیلویی ۲۲۰۰ تومان می دهند و یا پرتقال ضایعاتی کم آب را ۲۵۰۰ تومان می دهند و اگر کسی هم اعتراض کند برای به خطر نیافتادن چنین شبکه پر درآمدی پدر فرد معترض را هفتاد بار از گور در می آورند و باز می کشند.

یکی از مهمترین وظایفی که بر عهده فروشگاه داران است این است که تمام ترتیبات نقل و انتقال و اخذ پور سانت از مبالغ خرید و فروش مواد مخدر و نقل و انتقال وجوه قانونی و غیر قانونی را دریافت و پس از کسر حق حساب مابقی را تقدیم نمایند.

در اصل عدم همکاری متصدیان فروشگاهها با شبکه خرید و فروش مواد مخدر باعث می شود که تقریبا خرید و فروش مواد مخدر که چرخه اصلی گردش پول در زندان است متوقف شود. پس مسوولین فروشگاهها را از میان افراد سالم و خیر خواه انتخاب نمی کنند . انتقال هر ۱۰۰ هزار تومان پول از طریق زندان به خارج از زندان مبلغی در حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان پورسانت و هزینه انتقال به بیرون دارد. و خرید و فروش مواد مخدر اینگونه طراحی می شود که مصرف کننده مواد مخدر یک بکس سیگار وینستون را ۱۲۵۰۰ تومان از فروشگاه می خرد و آنرا به قاچاقچی به ازاء ۱۱۰۰۰ تومان می دهد و قاچاقچی پس از جمع آوری انواع و اقسام سیگارها که در صورت نبود واریزی خارجی و. کارت اعتباری دریافت کرده و هر بکس سیگار را ۲۰۰۰ تومان ارزانتر به فروشگاه پس می دهد و گاهی زمانها هر یک از فروشگاهها که در اندرزگاه ۷ تعداد آنها ۵ عدد است در روز تا ۱۵۰ بکس سیگار را می فروشند و پس می گیرند که تمام این در آمدها باعث شده در حالی که فروشگاهها در اختیار گردانندگان زندانی قرار می گیرد و حقوق ماهیانه زندانیان شاغل در فروشگاهها از طریق بخش خصوصی فقط ۶۰ هزار تومان است با این حال امتیاز و سرقفلی واگذاری فروشگاه به افرادی که می خواهند در آن کار کنند به غیر از حق حسابهای غیر رسمی ۵ الی ۲۰ میلیون تومان با نام ودیعه به بخش تعاون و پیمانکار فروشگاهها می پردازد تا در این بین با پرداخت این مبلغ سهامی از زد و بندها و پول شویی ها داشته باشند.
البته بیشتر فروشگاهها با مشارکت غیر مستقیم و محرمانه متولیان زندان به طور غیر رسمی هدایت می شود و در بیشتر موارد متولیان ظاهری فروشگاهها هیچ کاره هستند و مثل کارگر و عروسک خیمه شب بازی به بازی گرفته می شوند.

البته همه اینها به غیر از بعهده گرفتن نقل و انتقال گاه و بی گاه مواد مخدر از طریق تعاونیها است که پس از مامورین زندان نبض بازار مواد مخدر در دست آنهاست که در آخرین کشفیات حفاظت اطلاعات از فعالان بخش خصوصی و تعاونی چند کیلو کراک و تریاک که در بسته های مواد غذایی جاسازی شده بود کشف شد که از این طریق ثروتهای غیر قابل باوری را به این شبکه های عریض و طویل مافیایی که مانند اختاپوس در کالبد مدیریتی زندانها لانه کرده تزریق می شود که در این بین فرق چندانی نمی کند هر کس به اندازه قدرت و برش خود سهم می برد از دربان و دژبان و کلید دار تا رابط بهداری و کارچاق کن دفتری تا کارمند و مدیر و رییس اندرزگاه مافیایی هستند که نقاب حزب الهی بر چهره کشیده اند.
خلاصه دست کمتر کسی از این مبالغ خالیست چه برسد به پیمانکار و بخش خصوصی .
باز با این همه درآمد مختلف این تشکیلات از کوچکترین مایحتاج زندانیان نیز چشم پوشی نمی کنند و کارتهای تلفن را که وسیله ای برای ارتباط زندانی با خانواده اش است را در تعداد کم به زندانیان می فروشند و ما بقی را در اختیار دلالان خود در سالنها قرار می دهند و دلالان نیز کارتهای اعتباری ۱۶۰۰ تومانی NI و فشاری را از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان می فروشند و اینکه تمام اقلامی که در فروشگاه موجود است خانواده زندانی حق ندارد بیاورد و باید تمام آن اقلام را از فروشگاه تهیه نماید.
خلاصه کلام اداره اصولی و قانونی و مبتنی بر شرافت انسانی و اجتماعی در زندان باعث اتمام عمر مافیا ها در زندانها می شود و یا حداقل قدرت و اختیارات و امکانات مافیا را به کمتر از نصف کاهش می دهد.
فروشگاه یعنی قلب و نبض تپنده مرکزیت درآمد و قدرت مافیایی و مدیریتی زندان هر وقت فروشگاهها صحیح اداره شده است دیگر سران مافیای زندان انگیزه ای برای مدیریت و ریاست نداشته اند و در اصل به مرده های متحرک تبدیل می شوند.
در امدهایی که مدیران و رووسای متمول و فوق ثروتمند در طی سالیان سال به جیب زده اند درمواردی به میلیاردها تومان می رسد که در حسابهای مخفی و یا در اسناد سوری بنام اعضای خانواده و این و آن نگهداری می شود و بیشتر آنها قابل پیگیری و رهگیری نیست.

## **** اصول زندانبانی در اوین ****

در زندان اوین درهمان مرحله اول یک چیز را دقیقا مشخص می کنند و فرقی نمی کند که شما مانند اکثریت زندانیان زندان اوین مالی باشید و یا تصادفی و یا مهریه و یا امنیتی یا سیاسی فقط این مهم است که تو باید هر لحظه در ضمیر ناخود آگاه ات بگویی من یک گوسفند هستم من یک گوسفند هستم و بع بع می کنم. اینها مالکان من هستند و من حق و حقوقی در انتخاب جا و مکان و غذا و سرنوشتم ندارم و هرگونه سرپیچی از دستورات چوپان و یا سگ گله باعث می شود که عواقب سختی در انتظار من باشد و شاید قبل از همه به مسلخ و قربانگاه بروم پس باید مثل یک گوسفند خوب ساکت و بی سر و صدا و تابع دستور چوپان و سگ گله و قوچ راهنما که همان سر وکیل بند ها و وکیل بندها و زیر دستان خود فروخته هستند باشم تا جان سالم به در ببرم.

پس از هر زهر چشم که در بدو ورود از زندانیان گرفته می شود در سالنها گاردهای آهنین و وکیل بندها فعال هستند که اکثر آنان را خلافکاران سابقه دار و افراد چماقدار بی ملاقاتی تشکیل می دهند که در قبال چند هزار تومان پول و چند بسته سیگار هر کاری انجام می دهند از آزار و اذیت و ضرب و شتم و زورگیری تا سرقت اسباب و اثاثیه و اموال افراد که در اکثر مواقع با نظر مساعد و چراغ سبز دست بالاییها اقدام می کنند که پس از این برخوردها طوری برنامه ریزی می کنند که هدف مورد ظلم واقع شده نتواند درد خود را به جایی بگوید و یا در صورتی که شخص بتواند صدای خود را بجایی برساند چنان استشهاد نامه و شهودی برایش می تراشند که خود بنده خدا را محکوم می کنند.
در زندان اوین تمام کارها و تخلفها از اعتیاد و مصرف و خرید و فروش مواد مخدر تا کار چاق کنی و کلاهبرداری و یا دزدی اموال سایرین تا تجاوز و لواط و رشوه گیری و رشوه دهی و حتی ضرب وشتم وشکنجه

و پایمال کردن حق وحقوق سایرین آزاد است ولی یک چیز تخلف است و آن بر خلاف جریان جاری شنا کردن و موی دماغ شدن و مطالبه حق وحقوق کردن و یا اعتراض کردن به سیستم جاری است که این عمل مجازاتی بدتر از زنا کردن دارد و مثل این است که به خدا سنگ انداخته ای و باید هر طور که شده نابود شوی حالا با دسیسه و توطئه و یا با پرونده سازی و یا آلوده کردن و حتی امتیاز دادن و ترساندن و یا قطع کردن امتیازات زندان و خلاصه هر طور که شده باید معترض از سر راه برداشته شود و بهای آن مهم نیست.
یکی از نقاط فشار بر معترضین به سیستم اداره زندان نقل و انتقال پی در پی زندانی از این سالن به آن سالن و از این بند به آن بند است که در زندان اوین زندانیان معترض را از اندرزگاه ۷ به اندرزگاه ۸ منتقل و یا تهدید به انتقال می کنند و ساکنین اندرزگاه ۸ را تهدید به انتقال به بند ۲۴۰ انفرادی می کنند که همان اندرزگاه ۹ است و دست آخر هم پرونده‌های پر از اغتشاش و سرپیچی برای زندانی درست می کنند و تدارک می بینند و با سفارش چند قبضه به یکی از زندانهای رجایی شهر و قزل حصار انتقال می دهند.

****** بازدید و بازدید کنندگان و قوانین مربوط به آن در زندان اوین ******

در زندان اوین به قول گفتنی هر فردی که از دور و نزدیک می آید سری هم برای خالی نبودن عریضه به زندان اوین می زند که دربیشتر موارد این بازدیدها به واحد فرهنگی زندان اوین و واحد آموزشگاه و یا سالن خیاطی زندان ختم می شود که به این منظور ۲ سالن در اولویت بازدید هستند سالن ۵ و ۶ و به ویژه سالن ۶ که به سالن گربه های اشرافی و یا نگین زندان اوین معروف است که از سران بازداشت شده کشور تا کارکنان و کارمندان و رجال اقتصادی و سیاسی که بیشتر لای پر قو پرورش یافته اند در آن مستقر هستند و حتی برخی از آنان بر خلاف سایر زندانیان که دراتاقهای ۲۰ نفره زندگی می کنند در اتاقهایی با همان ابعاد ولی به صورت انفرادی به همراه مستخدم نگهداری می شوند مانند آقایان شهرام جزایری و اکبر گنجی که زندگی مرفهی داشتند.
اما در مورد بازدید کنندگان فرمایشی و نمایشی که خود کمتر مشتاق به دیدن زندانیان هستند و به قولی فقط از جهت تیتر شدن در روزنامه برای بازدید می آیند مانند نمایندگان مجلس و نمایندگان قوه قضاییه و یا ریاست جمهوری و سایر نهادهای فرمایشی از درب تشریفات واحد فرهنگی که کلا از محیط زندان اوین جداست وارد می شوند و در سالن مجللی که با هزینه بیش از یکصد میلیون تومانی توسط شرکت سیما چوب طراحی و تزیین شده جلوس می نمایند و آقایان را عده ای چاپلوس و دستمال به دست و دست به سینه تر و خشک می کنند و پذیرایی می نمایند و عده ای زندانی نور چشم و گل سر سبد و آدم فروش نیز پا به رکاب هستند و اکثر بازدیدکنندگان بدون اینکه وارد محیط اصلی و سالنهای محل نگهداری زندانیان شوند از راه آمده باز می گردند.
دسته بعدی بازدیدکنندگانی هستند که اصلا آمدن و نیامدنشان مهم نیست و آنها را در سالنها می چرخانند آنهم با احتیاط که بیشتر شامل همان سالنهای ۵ و ۶ و برخی اوقات سالن ۳ می شود.
بازدیدکنندگان عملا کمتراز ۳ دقیقه در سالنها تردد دارند و فقط در حد دیدن در و دیوار و کاشیها و نظر انداختن به اتاقها می باشد.
مهمترین دسته بازدید کنندگان دسته خبر نگاران و روئسای سازمان زندانها و یا اداره کل زندانهای استان تهران است که کمی مشکل ساز است از صبح زود بر پا خبر دار آغاز می شود بیشتر افراد را به حیاط می فرستند تا اتاقها خالی به نظر برسد و همه جا را رفت و روب می کنند به پرده هااسپریهای خوش بو کننده می زنند و پیشاپیش اعلام می کنند دادن هر گونه نامه و یا صحبت کردن با بازرسین و یا بازدیدکنندگان خصوصا خبر نگاران و دانشجویان ممنوع و باعث برخورد شدید و یا انتقال به سالن و اندرزگاه و یا زندان دیگر می شود که محروم شدن از امتیازات ملاقات و مرخصی یکی از آنان است که تمام این تنبیهات بیشتر بر اثر کارشکنی و عدم تبعیت از سفارشهای فوق در مورد شخص بنده اعمال شده است.

دسته آخر بازدیدکنندگان فرمایشی و نمایشی و یا به قول زندانیان توالتی هستند که آمدن و نیامدنشان تاثیر چندانی ندارد که بر اثر عدم اهمیت از زندانیان پرس و جو می کنند که پرس و جوی آنها هیچ تاثیری در جریانات ندارد مانند بازدیدکنندگان نیروی انتظامی و سپاه پاسداران و یا حوزه علمیه ها و شهر داری و یا فرمانداری و یا حتی نمایندگان بازرسی کل کشور و نمایندگان مجلس که بیشتر بازدیدشان به نمازخانه و سرویسهای بهداشتی ختم می شود و با رفتن به آخر سالن و بازگشت عملا بازدید انجام و ختم می شود.

البته این بازدیدها و بازدید کنندگان شامل حال اندرزگاه ۷ می شود پون بازدید به طور کلی از اندرزگاه ۸ ممنوعیت دارد چون به قول معروف آنجا انبار سیب زمینی و انبار پتو تلقی می شود و به کسی محیط آنرا نشان نمی دهند.
ساعتها پیش از بازدید به افراد مسئول در اندرزگاه ۸ رییس اندرزگاه آقای بزرگنیا دستور می دهد که حیاط و محوطه را تخلیه کنند و زندانیان را به سالنها باز گردانند و دستور می دهد که درب سالنها را ببندند و قفل بزنند و وکیل بندها پشت پنجره های مشرف به حیاط نگهبان بگذارند که کسی در زمان بازدید به پنجره ها نزدیک شوند و مبادا کسی با صدای بلند کمک بخواهد . به ویژه اینکه سالن ۹ اندرزگاه ۸ محل نگهداری اتباع بیگانه از کشورهایی مانند : هند و پاکستان و آمریکا و فرانسه و ترکمنستان و ترکیه و افغانستان و آفریقای جنوبی و نیجریه و تانزانیا و اوگاندا و برزیل و لیبریا و ساحل عاج و کنیا در مقاطع زمانی بوده است و هست که دیدن وضعیت زندگی آنها مشکل ساز می شود و حرف و حدیث به همراه می آورد خصوصا اینکه تخلفات غیر قابل گذشت و ضد حقوق بشری که در اندرزگاه ۸ در جریان است فاش می شود.

اما ویژه دسته بازدیدکنندگان که بازدیدکنندگان خارجی هستند و بندگان خدا که از همه جا بی خبر هستند مثل احمقها با سیاست بازی کامل به سالن ۶ سلطنتی و آمفی تئاتر مجلل هدایت می نمایند و آن بنده خداها با دیدن کاشیهای شیک و پرده ها و سرویسهای بهداشتی مجلل متعجب می ماند در حالی که نمی دانند که از موکت و فرش و سرامیک تا سنگ توالت و شلنگ و لوله دستشویی و یخچال و تلویزیون و حتی تا لامپ روشن بالای سر زندانیان از طریق زندانیان و با هزینه شخصی آنها خریداری و مصرف می شود و اگر زندانیان از جیب خود و با همیاری یکدیگر مواد غذایی تهیه نکنند بر اثر کمبود انواع و اقسام ویتامینها و نیازهای جسمی از بین می روند و به انواع بیماریها دچار می شوند و از نبود پوشاک و پتو برای خواب باید لخت روی زمین سیمانی بخوابند البته بازدیدکنندگان خارجی هم قاعدتا از قماش تمام دولتمردان بی تفاوت نسبت به مردم در سطح جهان هستند که مانند گوسفند می آیند و می روند و هیچ اختیاری در مورد بازدید و یا دیدار با زندانیان ندارند و بیشتر آنها به مکان دلخواه مدیران زندان برای بازدید می روند.
اگر راست می گویند به اندرزگاه ۴ زندان رجایی شهر و یا اندرزگاه ۸ زندان قزل حصار و یا سالنهای انتهایی واحد ۲ قزل حصار بروند و یا به باز پروری شور آباد قرچک بروند و ببینند چه خبر است .
زندان اوین فقط تمثیلی از یک باغ وحش زیبای انسانی است.

## **** مسایل فرهنگی و ورزشی و آموزشی در زندان اوین *****

در زندان اوین یکی از مکانهایی که عملکرد تقریبا قابل قبولی دارد واحد فرهنگی زندان می باشد که نقش مثبت و قابل توجهی در ایجاد روحیه و نشاط در عده ای از زندانیان دارد که قادر به استفاده از این امکانات می باشند چون عملا اندرزگاه ۸ از امکانات آن بی بهره می باشد و از جمعیت حدودا ۱۳۰۰ نفری ( لازم به توضیح است که طبق آمار سازمان زندان های ۴۸۰۰ زندانی در زندان اوین نگهداری می شوند که این آمار بین ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ هزار متغییر می باشد و می بایست اشاره کرد که بند های یک و دو و سه الف و بند ۲۰۹ ) اندرزگاه ۷ نیز فقط چیزی حدود ۷۰ نفر از امتیازات واحد فرهنگی قادر به استفاده هستند و بهره مندی از امکانات واحد فرهنگی برای نسوان فقط در حد آمدن به برخی اعیاد و جشنها است که در سال شاید ۴ بار هم اتفاق نیافتد و زندانیان سیاسی و امنیتی که به طور مطلق امکان استفاده از این امکانات را ندارند.

تمام زندانیان اندرزگاههای ۷ و ۸ فقط ۱ روز در هفته آن هم برای شرکت در مراسم مذهبی و دعا که از طریق چندین مداح و روضه خوان و روحانی هدایت می شود حق شرکت دارند که در برخی موارد پس از مراسم زیارت عاشورا در امفی تئاتر مراسم رقص و آواز اجرا می کنند و در آخر مراسم با چای یا تخم مرغ پخته و نان لواش پذیرایی می کنند که هزینه آن را یک زندانی اهدا می کند.

بیشتر کلاسهای آموزش نیمه کاره به پایان می رسد  چون تمام مربیان آموزشی و تقریبا بیش از ۹۵ %  آنها زندانی هستند که یا انتقال می شوند و یا به مرخصی میروند و یا آزاد می شوند که عملا هیچ کلاسی به پایان نمی رسد.
دقیقا همه چیز در حد نمایش به پیش می رود و به جای آموزش بیشتر کلاسها سردرگمی و سرخوردگی به همراه دارد.
کلاس زبان و خطاطی و روانشناسی و کامپیوتر  که به هیچ وجه استاد ندارد و فقط چند دستگاه کامپیوتر استوک برای سرگرمی و بازی زندانیان وجود دارد ولی در هر حال واحد فرهنگی دارای امکانات و قدرت و پتانسیل بسیاریست ولی سیاست زندانبانی اولیای زندان به متولیان فرهنگی اجازه بهره برداری از آن را نمی دهد چون بیشتر با آمد و رفتهای به کلاسها و محوطه و محدوده فرهنگی از طریق متولیان اندرزگاه مخالفت می شود به ویژه در محدوده اندرزگاه ۸ آقای بزرگ نیا از ترس اینکه در این مراجعات به واحد فرهنگی شاید یکی از زندانیان در تیرس بازدیدکنندگان و یا بازرسین قرار گیرد و اقدام به افشاگری نماید که همین نگرانی باعث جلوگیری از شرکت و فعالیت زندانیان در امور فرهنگی می شود.

کتابخانه و آرشیو کتاب زندان اوین قبل از انقلاب جزء غنی ترین کتابخانه ها بوده که متاسفانه از جهت اعمال برخی سیاستها ی نا معلوم در مدیریت زندان بیشتر کتابها را که شاید ذاتا حتی منافاتی با منافع جمهوری اسلامی و حاکمیت ندارند از دور خارج و از کتابخانه به گنجینه کتابهای زندان انتقال داده اند و اجازه استفاده و بهره وری از آن کتابها را نمی دهند.

بیشتر کتابهای موجود در کتابخانه های اندرزگاهها مربوط به جبهه و جنگ و یا خاطرات سیاسی رهبران حکومت فعلی و یا ادعیه و اسلامشناسی و مربوط به مذهب و تفسیرات قرآن است و اقلیت کتابها در تعداد بسیار ناچیز مربوط به علوم پژوهشی است که بیشتر آنها هم چاپ بیش از ۱۵ سال پیش است.

تعدادی از کتابها هم هستند که تاریخی هستند و علی رغم چاپ پس از انقلاب در امروز روز محرک افکار زندانیان محسوب می شوند که بیشتر در مورد تاریخ کهن ایران است و افراد را متمایل به تفکر در مورد حکومتهای هخامنشی و تمدن کهن مداری مینماید که اینگونه کتابها  را از قفسه ها جمع آوری نموده اند به ویژه کتابهایی که چاپ خودشان است

در ضمن حتی اجازه نمی دهند اگر زندانی بخواهد کتابی را از طریق خانواده اش برای مطالعه بیاورد اقدام نماید و اگر چنین اتفاقی هم بیافتد  یا کتابها به قصد مصادره ضبط می شوند و یا می گویند مفقود شده است تا زندانی هوس آوردن کتاب به سرش نزند و از ادامه اینکار منصرف شود و اگر کتابی را تحویل دهند آن کتاب باید تمام شرایط مورد نظر را داشته باشد.
درمورد امکانات ادامه تحصیل نیز همه چیز در حد امتحان دادن خلاصه می شود نه آموزشی و نه کلاسی و نه کتابی وجود دارد فقط درایام امتحانات نماینده آموزش و پرورش می آید و امتحان می گیرد و هیچ گونه پشتوانه علمی  و عملی وجود ندارد. دقیقا فقط یک نمایش و یک تیتر روزنامه است که می نویسد زندانیان زندان اوین در فلان آزمون شرکت کرده اند.
در مورد ورزش علیرغم میلیونها میلیون حیف ومیل  امکانات ورزش در حد صفر است و تمام تشکیلات ورزشی شامل چند میله هارتل و دمبل و ۲ عدد میز پینگ پنگ  که آنهم باید راکت و توپش را خودت تهیه کنی .
اما استخر را فقط در حد اینکه چند نفر خیر را در زندان تیغ بزنند  و یا یک ردیف بودجه را با ارقام تقلبی پر کنند کافیست.
مثلا یک دست رنگ زدن و جارو پارو کردن استخر و یا ۶۰ الی ۷۰ متر برزنت دور استخر را با یک فاکتور بلند بالای میلیونی به حساب دولت می گذارند در حالی که همه این هزینه ها را حتی تا چند برابر آنرا در جلسات محرمانه از زندانیان می گیرند و به حساب دولت می گذارند.
استخر عملا مشتری ندارد و چون تصفیه خانه ندارد کلر در حد استاندارد به آب نمی زنند وکافیست که زندانیان با شنا در آن چند نوع بیماری را برای خود به ارمغان بیاورند.
خلاصه با همه این تفاسیر باز واحد فرهنگی زندان از همه جای زندان سالمتر و کم تخلفتر است.

## **** امکانات مددکاری و ارتباطی زندانیان با خانواده ***

مددکاری زندان اوین یکی از محرومترین بخشهای زندان اوین است.
هر مددکار در اختیار چیزی در حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر است که بنده خدا حتی فرصت نمی کند به لیست اسامی زندانیان رسیدگی کند چه برسد به اینکه بخواهد به خواسته ها و مشکلات آنان رسیدگی کند.
مددکار در هفته فقط ۲ الی ۳ روز قادر به پاسخگویی است آنهم در هر جلسه ۳ الی ۴ ساعت که با این حساب امکان مساعدت به خانواده های زندانیان از طریق مددکاری صفر است و همچنین امکان پیگیری مسائل قضایی و اعزام و رویت پرونده و پیگیری متشابه غیر ممکن است.فقط مددکار فرمهای تقاضای مرخصی و تقاضای وام از ستاد دیه و برگه درخواست شرکت در جلسات شورای حل اختلاف را بررسی و پر می کند و کارهای اصلی نجاتبخش زندانی و خانواده اش در دستور کار هیچ کس در زندان و خارج نیست.
حتی مددکار قادر نیست که به زندانیان بی ملاقاتی و یا اتباع بی گانه خدماتی ناچیز ارایه دهد حتی در حد یک کارت تلفن که چیز ناچیزی است لذا بر اثر عدم رسیدگی بیشتر زندانیان بی ملاقاتی و حتی اتباع بیگانه امور خود را با شستن ظروف و لباسهای سایر زندانیان و کار های خدماتی می گذرانند خلاصه کل مفهوم و جایگاه مددکاری در حد یک تابلو مددکاری بر روی دیوار و جلوی یک اتاق است که فقط به زندانی و بازدیدکننده نشان می دهد که چیزی به نام مددکار هم در زندان وجود دارد.
البته قضاوت جوانمردانه این است که مددکار بنده خدا وظایف و امکاناتش بیش از این نیست.
در مورد امکانات ملاقاتهای زندانیان در زندان اوین باید گفت اعطای ملاقاتهای حضوری بیشتر شامل نور چشمیها می شود و خدمات سالنها که بیشتر بر اثر بی ملاقاتی تن به کار در سالن ها می دهند و کار های خدماتی را انجام می دهند که بیشتر آنها فاقد ملاقاتند.
غیر از آن ملاقاتها در حد تجارت و معامله رد و بدل می شود و اسم خرید و فروش روی آن نمی توان گذاشت و بیشتر به افراد در جریانات مافیایی وحق حساب پردازها تعلق می گیرد و آنان از ملاقاتهای حضوری و خصوصی بهره مند می شوند.
تقریبا مشکل تلفن در دوران کمال زارع با خرید سیستم ۶ میلیون تومانی تلفن سانترال از طریق زندانیان حل شد که نان خیلی ها را قطع کرد.
آخرین وسیله ارتباطی در زندان امکانات پستی است که می توان گفت عملا این امکانات در حد بسیار ضعیف در اختیار زندانیان است چون مرسولات خانواده ها و بستگان یا اصلا به دست زندانی نمی رسد و یا با ۱ الی ۳ ماه تاخیر به دست زندانی می رسد و مرسولات زندانیان نیز پس از گذشتن از کلی گلوگاههای حفاظتی ارسال می شود که راه نزدیک ۱ ماه طول می کشد.

## **** امکانات بهداشتی و درمانی و غذایی در زندان اوین ****

در زندان اوین نگین زندانهای ایران بهداشت حرف اول را می زند البته نه از جیب دولت بلکه از جیب زندانیان که باید تمام هزینه های بهداشتی زندان را با مبالغ ارسالی خانواده ها بپردازند. از مایع دستشویی و ظرفشویی و پودر لباس شویی و شامپو و صابون تا تعمیرات سرویسهای بهداشتی و توالتها و یا نصب آبخوریها و تعویض شیرهای حمام و یا خرید جارو و ابزار آلات نظافت و پودرها و مواد ضد عفونی کننده سرویسهای بهداشتی و کف سالنها البته پا جای حق نباید گذاشت چند ماهی یکبار به کل سالن یک عدد جارو و خاک انداز و چند لیتر مایع دستشویی درجه ۵ می دهند که حداقل اسمش امکانات بهداشتی باشد هر ۱ تا ۲ ماه هم نفری نصف قوطی پودر رخت شویی و یک قالب صابون درجه ۳ سهمیه نظافت می دهند که زندانی با آن ۲ ماه نظافت کند و بهداشتی بماند حتی در این مورد به زندانیان بی کلاقاتی جیره پوشاک و لباس زیر هم نمی دهند که بنده خدا بر اثر نداشتن امکانات و پوشاک دچار بیماری نشوند.
اما در مورد امکانات درمانگاه و یا بهداری زندان و یا اهمیت موضوع رسیدگی به امور بیماران که باید به صراحت گفت در چندین مورد عدم رسیدگی و یا انتقال به موقع زندانی مصدوم به بهداری زندان بیمار فوت کرده

که در بیشتر مواقع  با صورت جلسه های فرمایشی ماجرا ختم به خیر از دید زندانبانان شده که حتی در برخی موارد که عدم رسیدگی و فوت زندانی باعث اعتراض زندانیان شده  زندانیان معترض و شاهدین  عدم رسیدگی متولیان زندان به امور درمانی متوفی را در تنگنا قرار می دهند که فرد یا افراد از اعتراض خود پشیمان می شوند.کسی حق ندارد طی یک ماه بیشتر از یکبار بیمار شود.
تمام معاینات پزشکی از فاصله ۱ الی ۲ متری صورت می گیرد در حالی که زندان اوین کمترین معتاد و یا بیماران هپاتیت را دربین سایر زندانها دارد.
برخورد فیزیکی بیمار و پزشک در بیشتر مواقع در طی معاینه ها در حد صفر است و معاینه ها بیشتر شبیه به جادوگری می ماند.
بیشتر داروها در اثر عدم معاینه پزشک به اشتباه تجویز می شود و از پزشکان کار آموز و یا درجه ۳ و انترن استفاده می شود و پزشک متخصص بسیار کم مراجعه می کند ، بیشتر داروهای مهم وجود ندارد و در موارد مهم خانواده ها باید نسخه را دریافت و دارو را تهیه نمایند ، نتایج آزمایشها با کمترین دقت ارایه می شوند ، روانپزشک و روانکاو وجود ندارد و در صورت مراجعه دهها بیمار را در کمتر از نیم ساعت ویزیت می کند و لیست بلندی از داروهای خواب آور به جای صحبت و کاووش بیماری جایگزین معاینات می شود حتی امکان ۵ دقیقه صحبت و مشاوره با روانپزشک و روانکاو غیر ممکن است ، دندان پزشک فقط از جهت کشیدن دندان مراجعه می کند و فقط دندان شما را با بهترین متد های رایج با سرعت تمام می کشد  حتی شده باشد به صورت بی حسی این کار را انجام می دهد ، البته این مطالب بی مورد هم نیست چون برخی اوقات افراد شکنجه و درد را به کشیده شدن دندانهایشان با سر سوزنهای چند نفر مصرف ترجیح می دهند تا حداقل با ایدز و سایر بیماریها زندان را ترک نکنند.

عدم کارایی کادر پزشکی و عدم نقل و انتقال و ارجاع بیماران به درمانگاه و بیمارستان بارها و بارها در زندان اوین منجر به فوت زندانیان بی سرپرست و یا فراموش شده  شده است که بیشتر موارد با یک صورت جلسه جزیی به بازماندگان تحویل و یا به خاک سپرده می شوند.

اما در مورد یکی از منبع های بیماری در زندان اوین که همان غذای فاقد ارزش و غیر بهداشتی می باشد ، در مورد نان در زندان اوین باید بگویم  واحد نانوایی زندان اوین در اجاره واحد خصوصی می باشد و واحد خصوصی متقبل به طبخ نان برای زندانیان به اندازه نیاز می باشد به همراه نان برای پرسنل و در این بین واحد بازیافت ضایعات نان نیز در اختیار  آن واحد می باشد پس هم طبخ و هم ضایعات نان برای پیمانکار سود آور است و در این بین یک مسئله پیش می آید و آن اینکه گور بابای هر چی زندانی است  سود خالص را عشق است پس در این بین نانی که باید با گردش چند دقیقه ای دستگاه پخته شود با گردش ۳۰ ثانیه ای پخته می شود و عملا نان در کمترین حد از طریق زندانیان مصرف شده و نان خود به خود در یک چرخه طراحی شده به نانوا باز می گردد و چون نان خمیر باعث بسیاری از بیماریهای گوارشی می شود کسی که بتواند و هزینه اش را داشته باشد از نان زندان مصرف نمی کند. البته هرازگاهی نان بربری را به قیمت هر نان ۲۰۰ تومان در اختیار زندانیان می گذارند که معلوم نیست از کجا تهیه می کنند و می آورند و اما در مورد خود غذای زندان یک قالب پنیر سفید ۴۵۰ گرمی مابین ۱۸  تا ۲۰ و در برخی وقتها تا ۲۴ نفر تقسیم می شود که جیره صبحانه است و یا یک مربای کوچک و یک کره کوچک و برای شام و نهار هم انواع و اقسام پلوها ی تشریفاتی  با برنجهای درجه ۳ بی نام و نشان _ برنج و زرد چوبه _ برنج و لوبیا _ برنج و عدس _ برنج و سویا _ برنج و بادمجان _ برنج و آب قیمه بدون گوشت _ برنج و کرفس _ برنج و قرمه سبزی  بدون گوشت یا همان چمن پلو که بیشتر این غذاها از سطل آشغال سر در می آورند و اما در مورد میوه  و یا دسر که اصلا چنین چیزی علی رغم آیین نامه های وضع شده در مورد غذای زندانیان وجود ندارد  و این همه کم و کسری در امور تغذیه ای زندانیان باعث شده که افراد با کوچکترین عوامل دچار بیماری شوند و هیچگونه تعریف غذایی درستی در مورد مقدار پروتئین و ویتامین غذا ها وجود ندارد و یا اگر وجود داشته باشد مراعات نمی شود.

******  خود کشی و مقدار مرگ و میر در زندان اوین ******

زندان اوین نیز از مقوله فشار های روانی سنگین بر روی زندانیان مستثنی نیست در طی ۳ سال گذشته که من در این زندان و حدودا در تمام سالنها و اندرزگاهها بوده ام بیشترین مقدار مرگ و میر و خود کشی و اقدام به

**خود کشی در اندرزگاه ۸ و خصوصا انفرادیهای اندرزگاه ۹ اتفاق می افتاد که بیشتر این افراد کسانی هستند که از اندرزگاه ۸ به بهانه های مختلف و یا تخلفت مختلف به انفرادی زندان اوین منتقل می شوند.**

**البته از حق نباید گذشت که مقدار مرگ و میر و خود کشی در زندان اوین نسبت به زندان قزلحصار که سالیانه بالای ۴۰۰ نفر آمار نرمال تلفات و خودکشی آن است و رجایی شهر که مرکز خودکشی و مرگ و میر و کشت و کشتار و نزاعهای دسته جمعی و قتلهای سریالی است آمار تلفات در زندان اوین عدد دورقمی در برابر آنان محسوب نمی شود ولی به هر حال این معضل وجود دارد.**

**در چندین مورد که خود من شاهد آن بوده ام سهل انگاری و عدم رسیدگی به موقع در انتقال بیمار به بهداری و نبود پزشک و بهیار و یا آمبولانس آماده و تعلل باعث مرگ زندانی شده است که در یک مورد آن افسر نگهبانهای اندرزگاه ۸ درب سالنها را قفل کرده بودند و آیفون اضطراری مرتبط به افسر نگهبانی را از جهت تضمین استراحت قطع کرده بودند و در اتاق خود مشغول استراحت بودند که یک بیمار سکته ای پس از ۳ ساعت به بیمارستان منتقل شد که در همین فاصله فوت کرده بود که پس از این ماجرا زندانیان اعتراض کردند که بیشتر زندانیان را یا انتقال و یا با تهدید وادار به سکوت کردند.**

**چند نفر نیز بر اثر عوارض نبود مواد مخدر و عدم رسیدگی و هپاتیت از دست رفتند و یا چند مورد خودکشی درد آور که بیشتر بر اثر فشار های روانی در انفرادی رخ داد که فرد چند روز پیش از آزادی بر اثر این فشارها خود را حلق آویز کرد و یا یک مورد درد آور که یک جوان ۲۰ ساله به خاطر عدم پرداخت مهریه پایش به زندان باز شد و در آن چند روز اول چه بلاهایی سرش آوردند که بر اثر فشارهای روحی روانی خود را در حمام حلق آویز کرد که بیشتر این موارد براثر سرخوردگی و عدم انگیزه شرافتمندانه برای بقاء است به ویژه اینکه فشارهای روانی غیر قابل تحمل افراد را در زندان از پا در می آورد و به تنگنا و انتهار می کشد.**

**زندان اوین صد در صد غیر انتفاعی و پولی است.**
**تخت _ خوراک _ خواب _ بهداشت _ارتباطات _ و خواسته ها همه و همه به پرداخت پول ختم می شود.**
**فشار روانی منشعب از زندانی بودن یک طرف و توهینهای پی در پی به شعور افراد که تحقیر کننده است یک طرف . دیگر.**
**هنوز از گرد راه نرسیده و به محیط آشنا نشده مانند گوشت قربانی هر کس می خواهد تکه ای از این فرد زندانی جدید الورود بدون در نظر گرفتن امکانات و یا اتهام و یا اتهام و یا روحیات و یا مقدار تحملش و شخصیتش بکند و ببرد.**
**یکی حق سالن می خواهد یکی ورودی اتاق یکی کارت اعتباری تازه وارد را خالی می کند یکی تخت خواب می فروشد یکی تایم تلفن رایگان را با پول در اختیار زندانی می گذارد.**
**در آخر با چشمان باز و بینا در عین فهمیدن و درک مسوول فروشگاه در بدو ورود چند هزار تومان زیر آبی از کارت اعتباری کسر می کنند و یک بیسکویت ۱۰۰ تومانی را به زندانی ۳۰۰ تومان می فروشد که تیر خلاص را به تازه وارد می زند و بنده خدا تازه می فهمد که به خاطر نداشتن پول پرداخت مهریه و یا اینکه نداشتن ۱ میلیون برای دیه آمده و با این اوضاع باید برای بقاء هفته ای کلی پول از خانواده فقیر و ندارش بگیرد و شکم و جیب مدیران مافیای زندان را که زندان غیر انتقاعی تاسیس کرده اند پر کند و یا ظرف و رخت و لباس رجال زندان را بشوید و یا توالت و حمامها را فرچه بزند که ناگهان مغزش قفل می کند و با کناره های پتو و یا عرقگیر و تکه ای ملحفه طنابی می سازد و مرگ را به ننگ و نکبت و سرخوردگی و سردرگمی ترجیح می دهد.**
**جالبتر از همه اینکه بیشتر این افراد قبل از رسیدن به مرحله خود کشی به بهداری و پزشک نیز مراجعه می کنند و بر اثر عدم رسیدگی و ارزش قائل شدن و اینکه اصلا به آنها اهمیت داده نمی شود و جدی گرفته نمی شوند به این مرحله می رسند.**

***** خرید و فروش امتیازات ******

البته خرید و فروش امتیازات در بیشتر زندانها ی جهان چیزی متداول است و چیزی نیست که فقط در زندان اوین رایج باشد و مثلا کار چاق کن می گوید می خواهی زودتر بروی مرخصی ۱۰۰ تا صندلی بخر و ۲۰ تا میز و یا ۱۰ تا فرش یا مثلا ۶۰ متر سرامیک و یا در حالت محرمانه تر و منفور ترش می گوید به فلانی مراجعه کن فلانی راه را نشان می دهد.

یکی از معاملات بیگاری کشیدن از زندانیان در سالنها است که زندانی با حداقل دستمزد به پست ترین کارها تن در می دهند به امید اینکه هر ۲ هفته یکبار اجازه ملاقات حضوری با خانواده داشته باشد این در حالیست که شخص فوق که برای ملاقات حضوری کار میکند در قبال این امتیاز یا مبلغی در یافت نمی کند و یا مبلغ بسیار ناچیزی در حد یک بکس سیگار ۵ هزار تومانی به او داده می شود و این در حالی است که در قبال خدمات چنین افرادی و امتیازی که به آنها می دهند از تک تک افراد ساکن در سالنها مبالغ شارژ و خدمات دریافت می کنند و این خود نوعی فروش امتیاز به صورت غیر مستقیم است.

در مواردی که پرداخت مبالغ از کانالهای محرمانه باعث رایزنی افرادی برای صدور قرار مناسب و یا کمتر از حد معمول برای بهره مندی از امتیازات مرخصی می شود که خود مرخصی و امتیازات مربوط به آنهم انواع و اقسام دارد.

مرخصی کوتاه مدت و طولانی مدت و یا تا تمام محکومیت و یا تا اطلاع ثانوی که البته و صد البته تمام کانالهای محرمانه از طریق سر وکیل بند ها و وکیل بندها به طور ماهرانه ای هدایت و محافظت می شود . البته در این مقوله امتیاز گیری غافله قانونمند و طی مجاری اداری کند ترین و آخرین راهکار است که افراد با صبر و حوصله آنرا پیگیری می کنند.

البته بیشتر اعطا امتیازات نه از سر کرامت بلکه در اولویت از جهت پایین آوردن آمار زندان و پایین آوردن هزینه ها است و انگیزه رافت و کرامت و انساندوستی فاکتور کمرنگ آخر است.

*** سیستم تهیه و توزیع و انتقال مواد مخدر و اشیاء ممنوعه به زندان اوین و سیستم پول شویی و انتقال پول ***

زندان اوین نیز مانند اکثر زندانهای ایران از نقل و انتقال مواد مخدر و داشتن شبکه های مافیایی مستثنی نیست.
در اوین درآمدها بسیار بالاست و منابع درآمد نیز متنوع است شاید در زندانهای دیگر منبع درآمد و گردش پول اصلی بر مبنای خرید و فروش مواد مخدر باشد ولی در زندان نقل و انتقال و تهیه و توزیع مواد مخدر در رده های بعدی کسب درآمد پس از اخاذی محترمانه و در یافت همیاری و حق کارچاق کنی و مافیای فروشگاهها که درآمد کل شبکه ها در نهایت به آن منتقل می شود و مرکز پول شویی است قرار می گیرد.

بیش از ۹۰% مواد مخدر وارد شده به سالنها و اندرزگاهها در زندان اوین از طریق کارکنان وارد می شود که تعداد و آمار دستگیریها در این مورد خود گواه است که در مواردی که مامورین و کادریها در کارکنان زندان دستگیر شده اند که سالیان سال فعال بوده اند که چند نمونه نیز در زندان اوین بازداشت شده اند که البته تعدادشان کم نیست. البته باید قبول کرد که نقل و انتقال و مسایل مربوط به مواد مخدر در زندان اوین نسبت به زندانهایی مانند قزلحصار و رجایی شهر قابل مقایسه نیست و از وضعیت و بازار ضعیف تری برخوردار است.
افت مامورین در زندان اوین باعث شده که تشکیلاتهایی به موازات هم و دور از چشم همدیگر در گروههای ۲ الی ۳ نفره کار نقل و انتقال مواد مخدر را انجام دهند.
مثلا در یک مقطع زمانی و در یک شیفت چند تیم بدون تماس گرفتن با یکدیگر فعالیت می کنند و با مشتریان خود معامله می کنند ولی همه بدون استثنا هوای یکدیگر را دارند.

در زندان اوین ماموران ۳ دسته هستند .

عده ای از دوران شهربانی هستند که قیمتشان از ۵۰۰ تا تک تومانی شروع می شود تا هر جا که تیغشان ببرد و دسته بعدی پرسنل دوران دادستانی و لاجوردی هستند که هنوز تلاش دارند وجه انقلابی خود را حفظ کنند و فساد در میان آنان به مراتب به خاطر اسم و رسم و دوستانشان که بیشتر آنها به رده های بالا رسیده اند و موقعیت شغلی آنها کمتر است.

دسته سوم ماموران زندان که استخدام شدگان قرار دادی هستند که با قراردادهای ۱ الی ۵ ساله جذب شده اند و امنیت شغلی ندارند و به هیچ وجه موقعیت و فرصتی را برای پول در آوردن هر قدر هم کثیف و خطرناک و خلاف قانون باشد را از دست نمی دهند.

اما در مورد نقل وانتقال مبالغ دریافتی و یا درآمد فروش مواد مخدر تا همین اواخر قبل از آمدن کارت اعتباری یا همان ثمین کارت تمام آنها بدون کمترین مشکل انجام می شد و تمام معاملات به طور اخذ وجوه نقدی بود و حالا پس از آمدن دستگاههای اعتباری روشها نیز فرق کرده و خریداران مواد مخدر مبالغ موجود در کارت اعتباری را از طریق دستگاههای کارت خوان اعتباری فروشگاهها بدون اینکه خریدی کرده باشند به دفاتر محرمانه واریز می کنند به طوری که شاید فروشگاه در ماه جاری فقط ۵ میلیون تومان کالا از تعاونی دریافت کرده باشد ولی موجودی دستگاه اخذ وجه از زندانیان در ماه جاری رقم ۳۵ میلیون تومان را نشان دهد.

پس در اصل مسوول فروشگاه برای پوشاندن مازاد مبالغ دریافتی سند سازی نماید که این سند سازیها از ۱۰ الی ۳۰ درصد پورسانت نیاز دارد تا وجوه نقدا از زندان خارج شود و تحویل مالکین شبکه های مافیای زندان گردد.

در مواردی دقیقا کار بر عکس می شود مصرف کنندگان مواد مخدر مبالغ را به شماره حسابهای محرمانه فروشگاهها واریز می کنند و فروشگاه مبالغ را با کسر پور سانت به دفتر حساب افراد وارد می کند و فرد مواد مخدر را دریافت می کند.

در مواردی رخ داده که فروشگاهها در تسویه حساب تا مبالغی بیش از ۳۰ میلیون تومان حساب مازاد داشته اند و اما در این بین افراد کم خطر تری هم وجود دارند که کارهای پیش پا افتاده و کم خطر را انجام می دهند و بر خلاف برخی از همکارانشان که در قبال وارد کردن هر گرم مواد مخدر ما بین ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان حق باربری می گیرند و در قبال هر ۱۰۰ گرم مواد مخدر از ۲ تا ۴ میلیون تومان درآمد دارند آنها فقط به آوردن موبایل و MP3 و MP4 و رادیو و واکمن و یا صرافی کردن دلارهای اتباع بیگانه و یا خرد کردن تراول چک و یا نفل و انتقال وجه در قبال ۳۰ درصد پورسانت قناعت می کنند که این اقلام از تمام مجاری وارد می شود و بازار آن به طور مطلق در دست پرسنل است و کسی هم به خاطر بی خطر بودن اعمالشان با آنان کاری ندارد و حتی ایجاد رضایت نیز در میان زندانیان میکند.

در اوین برخی از پستها دارای سرقفلی و اهمیت خاص است از جمله رییس و یا معاون و یا کادر اداری اندرزگاه ۸ بودن که مرکزیت اصلی مافیای مواد مخدر در زندان اوین است که بیشتر از میان افراد سابقه دار در زندانبانی و خصوصا پرسنل زندانهایی مانند قصر انتخاب می شوند که با پختگی کامل و توانایی و نترس بودن و آشنا بودن به تمام شگردهای انحرافی در برابر قانون و راههای کسب درآمد انتخاب و به مافیای چپاول و تاراج وصل می شوند که با اعمال قدرت و ایجاد رعب و وحشت و حتی دادن امتیاز به برخی از ارازل و اوباش زندان مافیای زیر زمینی را هدایت می کنند.

حتی در مواردی که برای یک از اعضا مشکلی پیش می آید و یا به جایی منتقل می شود سریعا وارد عمل می شوند و فرد را به محل کار قبلی باز میگردانند به طوری که می توان گفت برخی پرسنل اندرزگاه ۸ حتی ریاست و مدیران آن هستند که علی رغم پیشنهاد پستهای بالاتر و حتی ابلاغ حکم انتقال سرسختانه می جنگند تا این مرکز کسب درآمد و چاپ اسکناس را از دست ندهند و این فرصت و نعمتی است که بر اثر بی لیاقتی و بی کفایتی و عدم نظارت عده ای بدست فرصت طلبان افتاده البته یک چیز از قلم افتاده و آن اینکه نقل و انتقال و خرید و

**فروش و حتی استعمال مواد مخدر در اندرزگاه ۷ خصوصا سالنهای ۵ و ۶ و ۳ به سختی انجام می شود و اکثرا افراد در گروههای ۳ نفره با نگهبان و مراقب اقدام به خرید و فروش و استعمال می کنند که البته برای بسته نشدن همه راهها وکیل بندها با چراغ سبز در ساعاتی از روز و ساعاتی از شب و خصوصا محوطه زندان اجازه استعمال مواد مخدر را به ولی نعمتان خود می دهند.**

**در سالنهای ۱ و ۲ و ۴ اندرزگاه ۷ شدت عمل بسیار کمتر است و در صورتی که زیاد علنی نباشد استعمال مواد مخدر تقریبا همه جا آزاد است ولی به شرطی که بپا و مراقب داشته باشند ، البته افرادی هم که توان خرید مواد شان کم شده و بازدهی مطلوبی ندارند و برای سایر مشتریان و مصرف کنندگان دست به نقد مزاحمت ایجاد میکنند را با چراغ سبز و صلاحدید متولیان امر با یک گزارش چند خطی بی سرو صدا به اندرزگاه ۸ به بهشت خرید و فروش و استعمال مواد مخدر انتقال می دهند ، در اندرزگاه ۸ خرید و فروش و استعمال مواد مخدر به برکت مافیای قدرتمند و حمایت صد در صد رییس اندرزگاه و افراد تحت امر آزاد آزاد می باشد.**

**تا مدتی قبل هنوز کراک نیامده بود و تریاک مصرف می شد در چراغ خانه های اندرزگاه ۸ به طور علنی سیخ و سنجاق برای استعمال مواد مخدر بود ولی حالا در اتاقها به راحتی چراغ های فتیله ای دست ساز و روغنی ساخته می شود و افراد ۲ به ۲ و یا ۳ به ۳ روی تختها به راحتی مواد مخدر و کراک مصرف می کنند و جالبتر اینکه مامورین قبل از سرکشی به وکیل بندها می گویند اعلام خطر بازدید کن داریم میایم سرکشی !!!**

**شما در اندرزگاه ۸ دوشهای حمام را می بینید که پر هستند ولی صدای آب نمی آید و داخل دوش گروههای ۳ الی ۴ نفره به راحتی نشسته اند و مواد مخدر مصرف می کنند و یا در پشت درب دستشویی به انتظار ایستاده ای که یک نفر از دستشویی خارج می شود و درب را می بندد و می بینی هنوز ۱ تا ۲ نفر دیگر در دستشویی هستند و در حال مصرف مواد مخدر هستند .**

**در زندان اوین معتادان تزریقی بسیار کم هستند چون خود خلافکارها و معتادان با آن مخالفند و همه را دچار مشکل می کند چون افراد سالم به دلیل خطرات و بیماریهایی که از طریق تزریق ایجاد می شود می ترسند و سرسختانه با آن مخالفند ولی در برابر این مخالفت و سر سختی به جز تزریق همه نوع استعمال مواد مخدر حتی جوشاندن و تبدیل به قطره کردن و با قطره چکان در انظار عمومی در بینی چکاندن برای معتادان آزاد است.**

**البته در مواردی که از طریق بسیار محرمانه سرنگی برای تزریق پیدا شود یک سرنگ به اندازه یک تریلی هجده چرخ درآمد دارد چون برای هر بار تزریق تا ۵ هزار تومان حق اجاره سرنگ است و مالک سرنگ هم با اینکه بیماری را اشاعه می دهد و چندین نفر را به هپاتیت مبتلا می کند ولی دلش نمی آید منبع در آمد خود را به آسانی از دست بدهد حتی به قیمت ایدزی کردن صدها نفر !!**

**خلاصه کلام مافیای زندان به پشتوانه عدم بازرسیها و بررسیها و پیگیریها و نقل و انتقال و جابجایی مامورین پابرجاست و مثل آب راکدی است که یکجا مانده و گندیده شده است و به لجن زاری تبدیل شده که نقل و انتقال های پی در پی فرصت ریشه دواندن به آنها نمی دهد و تزریق مدیران لایق و جدید مانند آب تازه ای است که به برکه ای راکد تزریق و آنرا جاری و شفاف و زلال می نماید و آثار نکبت و گندیدگی با جریان قانون از میان می رود.**
**این پر واضح است که مقدار مواد مخدر انتقالی توسط زندانیان در هر صورت حتی مصرف ۱۰ % معتادان را تامین نمی کند حتی پیچیده ترین راهها و امن ترین راهها !!**
**پس شما بگویید این همه مواد مخدر برای این همه معتاد از کجا می آید؟؟؟**

***** بازرسی ها و بازرسی در زندان ******

همانگونه که در تمام نهادها چه دولتی و غیر دولتی واحدی به نام بازرسی و نظلرت وجود دارد که نحوه عملکرد و کیفیت کارها را می سنجد زندان هم از این امر مستثنی نیست ولی شاید در سایر ماکن و نهادها واحد بازرسی در نقش بازوی قدرتمند و اجرایی آن سازمان در جهت جلوگیری از تخلفت باشد ولی در زندان اوین مافیا آنقدر است که اصلا واحد بازرسی را در بازی خود راه نمی دهد و در برخی موارد زندانی سالیان سال در زندان است ولی از وجود چنین نهاد و واحدی در زندان اصلا خبر ندارد چون عملا چنین فردی وجود ندارد و یا اصلا در امور زندان دخالت نمی کند و در صورت دعالت در کمترین زمان متوجه می شود که بود و نبود او تاثیر چندانی بر اوضاع ندارد و او هم باید همان کار را بکند که سایرین می کنند یعنی فقط مهر تاییدی بر اعمال و عملکرد سایرین بزند تا به مخالف جریان شنا کردن متهم نشود و برایش توطئه و پاپوش ندوزند تا از نان خوردن بیافتد انهم در زندانی که معلوم نیست افسار کار دست چه کسی است و هر کسی صبح زودتر بر سر کار رسید رییس آن است!!!!
پس بهتر است چشمها را بست و کور بودن بهتر از هرگز نبودن است.

## *** حفاظت و اطلاعات زندان اوین ***

حفاظت اطلاعات زندان اوین یکی از قدرتمند ترین واحد های تشکیلاتی زندان اوین است ولی بر اثر نقل و انتقال پی در پی پرسنل حفاظت و اطلاعات در زندان اوین این نهاد هم دیگر ابهت و قدرت و مدیریت غیر قابل نفوذ خود را از دست داده و نیروهای سر سخت دادستانی سابق جای خود را به مامورین شهر بانی چی دله دزد داده اند و فساد به آنجا هم نفوذ کرده است و لانه افراد منفعت اندیش و سازشکار شده که کاری جز بازرسی و سایل زندانیان و بهم ریختن اتاقها و اسباب و اثاثیه آنان ندارند که در بیشتر موارد هم چیزی کشف نمی شود مگر اینکه توطئه ای در راه باشد و یا کسی قرار باشد از طریق مافیای زندان با کمک حفاظت و اطلاعات حذف شود .
در اصل کلی به برخی سالنها حتی ۶ ماه یکبار هم سر نمی زنند خلاصه کلام هر چه بگندد نمکش می زنند وای به روزی که بگندد نمک!!
البته هرازگاهی در حفاظت اطلاعات تصمیماتی در مورد نقل و انتقال به زندانهای دیگر طی هماهنگی و برنامه ریزی طراحی و عملی می شود که عوارض آن انتقال افراد شرور به زندانهایی مانند قزلحصار و رجایی شهر است که با هماهنگی با حفاظت اطلاعات و متولیان زندانهای فوق فرد انتقالی را به خواسته متولیان زندان و برنامه ریزی حفاظت اطلاعات به جایی منتقل می کنند که تحت بد ترین شرایط توسط زندانیان اجیر شده شکنجه و یا حتی نقص عضو شود که این موارد در گذشته کم اتفاق نیافتاده ولی البته اینروزها دیگر با اوضاع و احوال کشور و جریانات سیاسی و اجتماعی رو به وقوع دیگر پشمی هم به کلاه آقایان حفاظت اطلاعات زندان نمانده.
شاید تا دیروز دستورات انفرادی و شکنجه و یا تجاوز و یا حتی نقص عضو و قتل در پشت دیوار های ضخیم زندان توسط حفاظت و اطلاعات صادر می شد و یا کفتارهای زندانهای رجایی شهر و قزلحصار زندانیان تبعیدی تحت اختیار حفاظت اطلاعات زندان اوین را حتی با قرار دادن شلنگ آب فشار قوی در مقعدشان روده هایشان را پاره می کردند ولی امروز دیروز نیست و فردا روز سختیست برای کسانی که در مورد اعمال دیروز و امروز خود نیاندیشیدند و چه روز سختی خواهد بود؟!!!

## *** محیط ومدیریت و جو زندان اوین در یک نگاه ***

زندان اوین نگین زندانهای ایران زندانی فرمایشی و نمایشی و بمانند سیبی سرخ و زیباست که درون آنرا عفونت و کرم خوردگی فراگرفته است.

همه چیز در زندان اوین به پول و قدرت مالی ختم می شود ، کلمه تعلیم و تربیت و اصلاح در زندان اوین مفهومی ندارد ، تبعیض و بی کفایتی غوغا می کند .
بی تفاوتی در مدیران و عدم انگیزه شرافتمندانه در جهت بازگشت به جامعه در زندان و در مورد زندانیان همه چیز و همه کس را به صورت نا خوشایندی کنار هم قرار داده و ریا و فریب کاری و عوام فریبی و ظاهر سازی یکی از اصول اسلی اداره کنندگان زندان اوین است.
شعار مدیران زندان اوین این است
در اوین همه ی تخلفات آزاد است فقط به شرط اینکه نگذارید صدا از کسی درآید.؟!!

**** وضعیت زندانیان دارای مشکلات جنسی و دو جنسه ها در زندان اوین ****

در زندان اوین و حتی سایر زندانهای ایران مکانی برای نگهداری زندانیان دوجنسه وجود ندارد و در بیشتر مواقع از وضعیت آنان سوء استفاده می شود و از آنان بهره کشی جنسی و سکس می شود.
البته وجود چنین افرادی و یا حتی بیمارانی در زندان برخی زمان ها نه که مشکل ساز نیست بلکه فرو نشاننده بحرانهاست که متولیان زندان برای سرگرم کردن زندانیان خطرناک این گوشتهای قربانی را برای بهره کشی جنسی تحویل آنها می دهند که در مواردی سر منشا اشاعه بسیاری از بیماری هاست.

البته در ۲ سال گذشته دو جنسه ها در انفرادیهای اندرزگاه ۹ یا همان بند ۲۴۰ نگهداری می شوند و این افراد حق اقامت در میان افراد عادی و جمع خود را ندارند و برخی از آنها مدتهاست در وضعیت اسفباری در انفرادیها دچار بیماریهای روحی و روانی شده اند و هرازگاهی حتی در انفرادیها مورد تجاوز قرار می گیرند و در جایی هستند که تمامی محکومین اعدام را از جلوی چشمان آنها برای اعدام می برند و در زمان آزادی واقعا برخی از آنها تبدیل به دیوانگانی مجنون و از دست رفته می شوند البته مرجعیت بازداشت این افراد نداشتن جایگاه معقول در جامعه است که برایشان دردسر ساز می شود و از زندان سر در می آورند.

*** بند کارگری در زندان اوین یا استثمار مطلق ***

در زندان اوین قسمتی وجود دارد با نام کارخانجات که شامل سراجی و کفاشی و نجاری و خیاطی است.
زندانیان شاغل در این واحدهای کارگری در سالن ۲ اندرزگاه ۷ مستقر هستند که این کارگران زندانی کسانی هستند که فقط به جهت فرار از محیط زندانهای مخوف قبلی شان مانند زندان رجایی شهر و ندامتگاه کرج تقاضای انتقال به بند کارگری زندان اوین را داده اند و زندان اوین و متولیان امور کارخانجات از این ارعاب و وحشت و فرار فراریان از شکنجه و ارعاب به نفع خود استفاده می کنند و چرخه ای از برده داری و استثمار را ایجاد کرده اند که اگر می خواهی از محیط آن زندانها دور باشی و در زندان اوین زندگی کنی باید کاری کنی که با کمترین امکانات و امتیازات زندانیان شاغل در بند کارگری دستمزد ماهی ۱۰ هزار تومان تا ۶۰ هزار تومان دارند که بیشتر کارگران ساده و نیمه ماهر در ماه چیزی کمتر از ۲۰ هزار تومان می گیرند و سرکارگر و کارگر ماهر ۶۰ هزار تومان در ماه که با کسر هزینه های خدمات سالن که هفته ای ۲۵۰۰ تومان است حتی پول یک بکس سیگار هم دستمزد ماهیانه شاغلین در بند کارگری نمی شود.

البته در این میان افرادی هم هستند که تنها برای اینکه خانواده شان در بیابانهای کرج آواره راههای زندان نشوند تن به هر نوع بیگاری می دهند و با تقاضای انتقال به کارخانجات اوین از زندانهای کرج به تهران منتقل می شوند که ساعت کاری از ۳۰ / ۷ تا ۱ بعد از ظهر و از ۲ بعد از ظهر تا ساعت ۶ می باشد.
البته کار در بند کارگران و سایر بندهای کارگری که توسط زندانیان رای باز و نیمه باز اداره می شود به این راحتی هم نیست بلکه به همراه تقاضای اشتغال یک فرم ۳ برگی تعهد نامه نیز باید توسط زندانی تنظیم گردد که

در آن زندانی مسئولیت تمام حوادث و مشکلات در حین کار را بر عهده بگیرد و مدعایی نسبت به زندان نداشته باشد که بارها دیده شده در بخش سراجی و نجاری زندانیان دچار نقص و یا قطع عضو شده اند و در مورد حق و حقوقشان اقدامی نشده و از ساده ترین امکانات بیمه کار محروم بوده اند که در این بین عدم استاندارد بودن تجهیزات کارگاهها و امکانات ایمنی را باید به این خطرات افزود.

تنها امتیاز این نوع زندانیان دوری از محیط زندانهای خطرناک ملاقات حضوری و حقوقی کمتر از ۲۰ هزار تومان در ماه است که خود نوعی استثمار فرصت طلبانه محسوب می شود چون این افراد از صبح تا شب جعبه های مهمات صنایع دفاعی و کفش و لباس کارکنان زندانهای سرتاسر کشور و سربازان را تولید می کنند و در قبال خدمات خود کمترین بهره را می برند.

## ***بررسی وضعیت زنان زندانی و زندان زنان***

اکثریت زندانها و یا بازداشتگاههای محل نگهداری زنان زندانی در سرتاسر ایران میزبان زنانی قربانی ، آسیب دیده و مترود در جامعه هستند که اکثرا بر اثر آسیب های اجتماعی و نقض حقوقشان و درماندگی مورد سوء استفاده قرار گرفته و مرتکب جرم شده و سر از بیراهه در آورده و گرفتار حبس و زندان شده اند .

هر زن زندانی خصوصا در زندانهای زنان مستقر در تهران مثل اوین و رجائی شهر با مشکلات خاص و مشترک مثل تمام زندانهای ایران مواجه می شود و باید برای بقا در زندان با آنها دست و پنجه نرم کنند.

شایان ذکر است که بدانید اکثر زندانیان زن ساکن زندانهای اوین و رجائی شهر از طریق دو دادگاه ارشاد اسلامی واقع در میدان آرژانتین و دادگاه های انقلاب تهران و شهرستانهای همجوار به زندانهای اوین و رجائی شهر ارجاع انتقال داده می شود .

که اساسا در بیش از نود و پنج درصد موارد اتهامات آنان مرتبط به جرائم مواد مخدر و یا روابط نا مشروع و منافی عفت می باشد که در بین آنان زنان خیابانی و دختران فراری از حریم خانواده بیشترین درصد را تشکیل می دهند و پنج درصد باقی زندانیان زن را مجرمین و یا متهمین به قتل و سرقت و سایر اتهامات تشکیل میدهند .
البته در این بین بیشتر زنان مرتکب جرائم سنگین مثل قتل و سرقت مسلحانه و به تناسب سوابق قبلی به زندان رجائی شهر انتقال می دهند. ولی در هر حال از این نوع متهمین و مجرمین در زندان اوین هم وجود دارد.
البته در زندان اوین به طورکلی با عنایت به جمعیت حدود ششصد نفری زنان و محدودیت جا کلمه تفکیک کردن و متهمین ومجرمین مفهومی ندارد و همه مجرمین سابقه دار و بی سابقه در مخروطی ازهرج و مرج با هم نگهداری می شوند البته قوانین خاص تفکیک مافیایی در بند های زنان نیز به مانند بند های مردان نیز مراعات و مو به مو اجرا می شود که با نظارت تعدادی زندانی مزدور با عناوین وکیل بند و غیره و نظارت دورا دور و چراغ سبز متولیان زندان زندانیان را به چند دسته تقسیم و تفکیک می کند .

چرب و مایه دار ها

چرب و مایه دار ها را به سالن و اتاق های خواص و دارای امکانات و زندانیان بی بضاعت به اتاق های بی امکانات می فرستند البته در این بین چند اتاق در بند نسوان در اختیار جوانان و نوجوانان می باشد و چند اتاق هم دراختیار زنان دارای بچه می باشد ولی این دلیل تفکیک کردن با سایر زندانیان نمی باشد .

در سالنهای اندرزگاه متعلق به زنان در زندان اوین و رجائی شهر مواد مخدر غوغا می کند ، می توان گفت قدرت مافیایی مواد مخدر در بند زنان زندان اوین چند برابر قدرتمندتر از مافیای مواد مخدر در سالنها و بندهای مردان است تقریبا تمام امورمربوط به اداره سالنها و بند ها دربند نسوان همخوانی خاصی با سیستم اداره اندرزگاه و سالنهای مردان دارد ولی فقط یک چیز فرق بین این دو مجموعه است و آن این است که امکانات بندهای زنان قابل مقایسه با امکانات بندهای مردان نیست و زنان در مقایسه در عصر و هرج مطلق بسر می برند .

چون بر خلاف مردان ساکن زندان اوین که اکثرا به اتهام جرائم مالی در زندان هستند و قدرت خرج کردن و یا خرید و یا باج دادن ویا تطمیع کردن و بدست آوردن این امکانات را دارند این معقوله در بند و زندان زنان حاکم و صادق نیست چون زنان زندانی اکثرا از قشر ضعیف و مطرود و بی سرپرست و بد سرپرست و فراموش شده و رانده شده از ساختار اجتماع و خانواده است و قربانیانی هستند که حتی در مواردی از سر بی کسی و بی جا و مکانی تن به جرم و بازداشت برای آمدن به زندان می دهند و اگر این زندانیان زن دارای امکانات پول و خرج کردن و خرید امکانات در زندان بودند که برای لقمه ای نان و سر پناهی برای خوابیدن تن به هر خفت و خودفروشی و جرم نمی دادند .

امکانات مخابراتی و تلفن در بند زنان نیز باز قابل مقایسه با اندرزگاه مردان نیست و زنان و مادران علیرغم نیاز از حداقل امکانات تماس تلفنی برخوردار هستند .
یکی دیگر از کمبود ها نبود امکانات پخت و پز و شعله گازبرای رفع و رجوع کارهای مرتبط و تهیه غذا و تغذیه است علیرغم اینکه اقامتگاه زنان بیشتر به این امکانات نیاز دارند.....به اندرزگاههای مردان امکانات صد در صد پخت و پز و اجاق گاز و شعله آتش ارائه می شود چون وجود این امکانات در بند زنان جز هزینه چیزی برای زندن در بر ندارد در حالیکه در اندرزگاه مردان صدها برابر امکانات در اختیار آنان از آنان هزینه دریافت می شود و حتی در همین اواخر هر از گاهی متولیان زندان وصل گاز را به تاخیر می اندازند و زندانیان مالی را تیغ می زنند ولی از این جهات هیچ وقت نمی توانند از زندانیان زن توقوعی داشته باشند .

البته کمبودهای بندهای زنان به همین خلاصه نمی شود.نبود امکانات تضمین کننده بهداشت عمومی مثل پودر های رخشویی و مایع های دستشویی و صابون و امکانات متشابه که زنان را با مشکلات زیادی مواجه می سازد و با عنایت به نوع جنسیت و نیاز بیشتر زنان نسبت به مردان در مورد مراعات بهداشت جیره بهداشتی آنان در بند هم اندازه مردان است که در هر ماه نصف قوطی به میزان ۱۵۰ گرم پودر رخشویی می باشد و یک عدد صابون درجه ۳ غیر قابل استفاده .

بر خلاف مردان زندانی که تقریبا بیش از ۹۵ درصد آنان دارای ملاقات و ملاقاتی می باشند دقیقا در نقطه مقابل زنان زندانی دارای کمترین میزان ملاقاتی و واریزی وجه و ارسال مایحتاج از طریق خانواده هایشان می باشد و در این زمینه نیز مساعدت زندان برای پر کردن خلع بی ملاقات بودن کمتر از صفر است خصوصا در مورد دادن پوشاک و انواع لباسهای زیر و امکانات بهداشتی خاص به زنان بی ملاقات و بی پول و بی کس که بیماری را در بین آنها شایع میگردد .

نبود امکانات و فشارهای سنگین در محل اقامت در زندان زنان اکثرا زنان زندانی را با مشکلات روحی و روانی مواجه می سازد .
پرداخت پی در پی حق اجاره ها و حق شارژها هفتگی و ماهانه در سالنها و اتاق های بند زنان هر زندانی زنی را که ملاقاتی نداشته باشد دچار مشکل می نماید و زندگی عادی را برای او حتی در زندان سخت مینماید عدم بر خورداری از غذای مناسب مشکلات جسمی را به همراه دارد فعالیت گسترده باندهای اغفال و بهره کشی در زندان که روح اصلاح نا پذیر را ترویج می دهند. عدم برخورداری از امنیت جانی از طرف مافیای پنهان و آشکار زندانها که از طریق متولیان زندان ساپورت میشوند .

که دو مورد آخر به استناد افشای راز پنج خط خودکشی گزارش شده در زندان اوین و رجائی شهر مطرح شد و پارسال افشا شد و هنوز مواردی مثل آن هرزگاهی در زندان اوین و رجائی شهر رخ می دهد و زن و یا دختر جوانی را شبکه های هدایت شده مافیایی داخل زندان به خاطر مقاومت و یا عدم همکاری در فساد با طنابی بر گردن بر لوله های حمام و دستشویی می آویزند و متولیان زندان نیز با چهار تا چاکرم و نوکرم و کمی چربی مستقیم و غیر مستقیم سیبیل آقایان ، یک گزارش پنجاه امضایی خودکشی تدارک می بینند و اصلا مهم نیست که خون یک بی گناه و درمانده و بی کس و کار پای مال شود و آخرین آن گزارش ۱۳۸۶/۶/۲۹ در مورد افشای ماهیت یکی از زنان مافیای هدایت کننده زندانیان زن و دختران زیبای زندانی به شبکه های مافیایی ترانزیت زن و دختر به کشورهای عربی در زندان رجائی شهر بود که بخاطر حاشیه دار شدن ناچارن به صفحه حوادث ایران

**کشیده شد. که البته اکثر این رخداد ها بر اثر بدهکار شدن زندانیان زن در زندان به افراد مافیا و سر شبکه ها رخ می دهد چون به جای اینکه متولیان زندانها به دولت هزینه های جاری زندانیان زن بپردازند گرگهای تشنه فساد حتی در داخل زندانها این کارها را می کنند .**

**البته این نکته نیز قابل توجه است که دختران و زنان زندانی وقتی از خانوادههای فقیر خود برای پرداخت هزینه های اقامت در زندان خسته می شوند به شبکه های مافیایی و تجارت سکس و فساد و یا در مورد کم ضررتر آن به جای رفتن به سوی اصلاح به مرتبطین و یا معشوقه های سابق خود زنگ می زنند و با دریافت مبالغی اندک خود را برای جستن آزادی پیش فروش می کنند که این مورد بر اثر درماندگی در بین زنان زندانی به شدت شایع است .**

**وقتی زن و یا دختری در زندان پول برای خرج کردن و خرید غذا و پوشاک و هزینه تلفن نداشت به هر عملی تن در می دهد در این مورد موارد بسیاری وجود دارد که دختران جوان و کم سن و سال در زندان زنان از طریق خانم رئیسان و زنان شرور و سابقه دار برای بهره کشی جنسی و سکسی و ارزاء امیال شیطانی در اتاق های مخصوص در زندان به عنوان معشوقه و همبستر بهره کشی می شود و برای مسکوت ماندن این نوع جریان و پنهان کاری سران مافیای زندان حق الحساب سنگینی نیز پرداخت می کنند و شریان اصلی احتیاجات زندانیان را که فروشگاه است از طریق عوامل و یا دوستانشان در دست می گیرند و هدایت می کنند و افرادی هم که سد راه باشند و بی کس و کارتر از سایرین باشند یا نقص عضو و یا مجروح می کنند و یا مثل همان دخترانی که حلق آویز و پرونده خودکشی برایشان تشکیل شده و ماهیت مرگشان معلوم نشد از بین میبرند .**

**مافیای زندان زنان دوش به دوش متولیان زندان گام بر می دارند و بعضی موارد این همکاری نیز افشا گردیده که متشابه آن قضایای ترانزیت دختران از زندان رجائی شهر توسط رئیس سابق زندان رجائی شهر آقای حاج محمد شکاری به کشورهای عربی بوده که در آن ماجرا صدها زن و دختران جوان زیبا و نوامیس مردم از طریق تهدیدات و ارعاب به کشورهای عربی ترانزیت و در اختیار کاباره داران و هتل داران عرب قرار گرفته بود .**

**البته در مواردی هم مافیای بندها و سالنهای زنان در قبال دریافت امتیازاتی زنان و دختران زندانی را با قول و قرارهای خواص و محرمانه در اختیار برخی از متولیان فاسد زندان قرار می دهند .**

**البته این زنان و دختران قربانی به غیر از زنان و دختران زیبایی هستند که در زندانهای زنان الک و قربیل و انتخاب می شوند و در زندان پیش خرید و اقفال و آلوده و یا تطمیع و یا حتی معتاد و آلوده می شوند برای تزریق به شبکه های داخلی و خارجی که خانم رئیسهای سابقه دار و شرور در زندان به پشتوانه حمایت متولیان زندان و امکاناتی که در اختیار آنان می گذارند و درماندگی زندانیان و بی کفایتی مسئولین و متولیان قضائی و امنیتی و مدد کاری پورسانت کلانی از انتقال هر دختر و زن از زندان از طریق شماره حساب های محرمانه دریافت مینماید .**

**البته در بعضی از موارد کار به راحتی انجام نمی شود مثلا اگر دختر باکره ای در بند زندان باشد و مقاومت کند و قول مساعد ندهد در همکاری او را با عملیاتها و رایزنیهای خاص متولیان پشت پرده ، اذن دخول می کنند و در صورت مقاومت بیش از حد او را از طریق قرص و مواد مخدر او را معتاد و آلوده می کنند و اگر نشد دامن چنین موارد استثنایی را لکه دار می کنند تا راحت تر به اهداف خود برسند که توضیح این موارد پیچید گیهای خاص خود را دارد که شرح آن واقعا سخت و مشکل است .**

**البته این دار و دسته های پلید و سرطان گونه موجود در زندان زنان ایجاد بحرانهای مصنوعی زنان و دختران را وادار به تبعیت می نمایند مثلا عدم انعکاس کمبود ها و یا کیفیت بعد ازغذا و یا نبود از امکانات بهداشتی و یا اجازه ندادن مافیای زندان برای توصعه امکانات رفاهی و بهداشتی و مخابراتی در زندان زنان و یا هدایت فروشگاه ها از طریق افرادی همچون خانم ش.ج که وکیل بند منتخب مافیای زندان نیز محسوب می گردد و به اعدام محکوم شده و فکر می کند با خوش خدمتی به متولیان و مافیای زندان در روز اعدام با التماس طناب دار را از گردنش دور می کنند که امثال او در جهت کم فروشی و بد فروشی و گرانفروشی وگرسنه و بدهکار و**

درمانده نگه داشتن زندانیان گام بر می دارد که با چراغ سبز روئسای پشت پرده و بر اثر عدم نظارت و هرج و مرج مطلق و نبودن فریاد رس برای زندانیان حتی چند برابر گران فروشترین فروشگاههای مردان اجناس را به زنان بی سرپرست و بی پناه و درمانده و از همه جا بی خبر و پناهنده در قلب قانون می فروشند .

در زندان زنان تغذیه آنقدر ضعیف است که زنان برای بقاء جسمانی خود به هر کاری تن در می دهند ، زنان بار دار و زنان دارای بچه در زندانهای اوین و رجائی شهر آنقدر از مشکلات تغذیه ای رنج می برند که اگر مساعدت با خانواده ها و یا زندانیان دلسوز نباشد از پا در می آیند و حتی در بعضی از موارد با خوردن غذای نا چیز بچه های خود قادر به شیر دادن به نوزادان و کودکان میشود و اگر غذاهای صدقه ای و کمک و مساعدت تعدادی زن دلسوز نباشد همه آنها زیر دست و پا از بین می روند.

البته موارد ضد انسانی و ضد قانونی و نا جوانمردانه نیز در زندان زنان مثل عدم اعمال قوانین خواص زنان باردار در زندان رخ می دهد که زنان باردار در شرایط بسیار سختی در بین انبوهی از آلودگی ها و مشکلات و استرس ها آنقدر می مانند تا در زندان و در شرایط بسیار ضد انسانی فارغ شوند که در سال گذشته چندین مورد در زندان اوین رخ داده است .

زنان باردار و دارای بچه در بدترین شرایط در زندان بسر می برند که مهمترین آنان عدم رسیدگی به امور بهداشتی و درمانی به کودکان و مادران آنها ، نبود پزشک متخصص کودکان و وسایل بازی و مایحتاج ریز و درشت محافظت و نگهداری از کودک عدم تغذیه مناسب مادر و کودک ، عدم امکانات بهداشتی کافی ، چند بار مصرف کردن وسایل بهداشتی یک بار مصرف کودکان ، نبود میزان کافی شیر خشک و ویتامینهای مورد نیاز و پوشک برای بچه ها که اکثرا زندانیان خیر این امکانات را برای مصرف زندانیان می آورند .

استعمال گسترده مواد مخدر و دخانیات در محیط سالنها و بند های زنان و رواج گسترده مواد مخدر در بین زندانیان زن کم سن و سال وعدم امکانات ضد عفونی مداوم در سالنهای زنان و عدم بررسی دقیق پزشکی زندانیان جدید الورود وعدم تفکیک زندانیان دارای بیماریهای پوستی و عفونی و هپاتیت و ایدز که خود برای سایر زندانیان مشکل ساز و عذاب آور است .

فرمایشی بودن مطلق بازدید های مختصر در بندهای زنان که هر گونه دیدار بازدید کنندگان و طرح مشکلات از طریق زنان زندانی مصادف با تنبیح و رفع امتیازات و برخورد شدید است که قوانین آن از طریق متولیان زندان اعمال می شود .

امور دندان پزشکی و چشم پزشکی و نیاز به عینک طبی و نیاز به داشتن دندان مصنوعی آرزوی دست نیافتنی در زندان زنان است خصوصا اگر امکان و بودجه و هزینه آن را نداشته باشیم ، امکانات فرهنگی
و ورزشی و آموزشی در زندان زنان فقط در حد یک تور والیبال و یک توپ والیبال و چند عدد راکت و توپ تنیس روی میز خلاصه میشود و صدها کتاب از رده خارج بی مصرف و اکثرا مرتبط به مسائل شرعی و مذهبی و تاثیر و توصیف شرح و اصول عبادت در نهایت در مورد زندان زنان و زنان زندانی باید گفت بوی شرافت و کرامت و انسانیت در نبود پول در این بند ها راه به جایی نمی برد مجموعه زنان درمانده و یا به انحراف کشیده شده و یا کم گناه و بی گناه در این زندانها جمع شده اند در حالی که اکثریت مطلق آنان یا بیگناه هستند و یا به جای زندان درجاهایی مثل کمپ های اصلاح و یا تربیت و آموزش و درمان باشند و نه در لانه فساد تا بتوانند با اتکا و اعتماد به قانون و عدالت به آغوش جامعه و خانواده باز گردند .

فصل دوم

## زندان قزل الحصار

قزلحصار یکی از بزرگترین زندانهای خاورمیانه است و در زمان حکومت پهلوی این زندان و چندین زندان متشابه در برنامه های دراز مدت زیر ساختی کشور برای ۱۰۰ سال آینده در نظر گرفته و ساخته شد.

ولی در حکومت انقلابی سرعت بهره برداری از ۱ قرن به ۱ دهه تنزل پیدا کرد و حتی در برخی موارد بیش از ظرفیت تکمیلی بازدهی پیدا کرد و حتی فاز های دیگر به آن افزوده گردید و زندان همسنگی به نام ندامتگاه کرج کنارش ساخته شد و هم اکنون فراتر از ظرفیت اصلی پذیرای شهروندان زندانی است.

مدت ۴ ماه به عنوان زندانی تبعیدی در بدترین شرایط در زندان قزلحصار بهشت مافیای ایران زندگی و اقامت داشتم و حالا این مسوولیت به عهده من است که بنویسم هر آنچه را که در این مدت دیده ام و شنیده ام و تجربه کرده ام تا سندی باشد برای فرزندانمان که بدانند.

در این حلقه های گمشده اجتماعی و اماکن مجهول الحال چه بر سر فرزندان زندانی این آب و خاک می آید و چگونه فساد تدریجی و تحمیلی بمانند کاردی تیز آرام آرام تا مغز استخوان جامعه فرو می رود.

اینجا قزلحصار معروف به سیسیل زندانهای ایران است ، واقعا مرور کنیم تا بدانیم در پشت دیوارهای قطور و بلند آن چه می گذرد؟

### **** مراحل ورود به زندان قزلحصار و اقامت در قرنطینه ****

حرکت به سوی قزلحصار چندین مبدا دارد یکی از مبدا ها زندان اوین و از طریق دادگاه انقلاب تهران است. مبدا بعد از طریق دادگاههای انقلاب کرج و شهریار است.

مبدا آخر از طریق انتقال و تبعید زندانیان از زندانهای تهران و حومه به قزلحصار است. مانند زندانهای رجایی شهر و یا اوین و یا خورین ورامین و زندان کچویی

بیشتر زندانیانی که از طریق زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل می شوند متهمین و یا مجرمین مربوط به مواد مخدر است که با چند دستگاه اتوبوس و مینی بوس به زندان قزلحصار انتقال داده می شوند . زندان قزلحصار در محدوده مهر شهر کرج قرار دارد و دیوار به دیوار زندان تازه ساز ندامتگاه کرج است که برای نگهداری مجرمین سرقتی و امثال آن تدارک دیده شده است.

از اتوبان قزوین کرج اتوبوس به طرف کمال آباد حرکت می کند و پس از چند کیلومتر برج و باروی زندان قزلحصار که دیوارهای بلند و برج دیده بانی بلند تر دارد مشخص و دیده می شود. جلو خیابان ورود به زندان قزلحصار شلوغ است و اتومبیل های کرایه ای و متعلق به خانواده زندانیان پارک شده است. خیابان مجاور دیوار اصلی زندان قزلحصار که دارای ۴ درب می باشد و ۳ درب فرعی و ۱ در ب اصلی دارد محل تردد خانواده های زندانیان می باشد که درب های فرعی از طریق زیر زمینی و تونل به محوطه ملاقات وصل می شوند و درب اصلی که به درب برقی معروف است و روبروی ساختمان دلدیاری زندان قزلحصار واقع شده که در مجاورت آن یک سوله وجود دارد که محل اصلی تردد زندانیان و ماموران بدرقه و اعزام و اتومبیل های زندان است. زندانیان در زمان انتقال با دستبند و پا بند و تدابیر شدید امنیتی به زندان قزلحصار منتقل می شوند. مراحل بازرسی بدنی درب ورودی زندان قزلحصار فنی تر و کم برخوردتر از زندان اوین است.

در قسمت ورودی به محوطه زندان چند دستگاه مانند دستگاههای فلز یاب که در فرودگاهها نصب هستند وجود دارد که البته اهمیتی به آن داده نمی شود چون همه آنها خراب هستند.
پس از ورود به محوطه دستبند و پابند ها را باز میکنند.

از لحظه ورود صد ها نفر را می بینی که چند نفر  چند نفر با دستبند به هم گره خورده اند و  از سر تاسر شهرستانهای استان تهران و حومه به قزلحصار آورده اند از قاچاقچی مافیایی تا معتادان کارتن خواب و خیابانی .

بیش از ۹۰% مجرمین و متهمین و بازداشتیها متهمین اعتیاد و استعمال مواد مخدر هستند و برخی از آنها آنقدر آمده و رفته اند که تعداد سوابقشان را فراموش کرده اند.

دوباره در ورودی قرنطینه بازرسی انجام می شود ولی با تحقیر کمتری نسبت به زندان اوین و هرازگاهی ماموران از گرفتن سیگار و فندک صرف نظر می کنند و یا حداقل لباسها را پاره نمی کنند . قابل باور نیست در زندانی که مربوط به مواد مخدر نیست مانند اوین به بهانه مواد مخدر صد بلا بر سر زندانی می آورند و حالا اینجا که زندان مواد مخدریهاست اینقدر منطقی با قضیه برخورد می شود!!!

البته جمعیت و خستگی ماموران خود تاثیر گذار در امور بازرسی است چون در طی روز چند صد نفر وارد می شوند و چند صد نفر خارج می شوند  و همچنین چند صد نفر به دادگاه اعزام می شوند و از دادگاه باز می گردند و همه پرسنل و کارمندان و کارکنان و افراد ریزو درشت  همه از یک مسیر داخل و خارج  می شوند و این حجم کاری دقت عمل را پایین می آورد و کنترل همه واقعا سخت است.

پس از مرحله بازرسی تمام زندانیان بدون استثنا برای اقامت ۲۴ تا ۷۲ ساعته به اندرزگاه ۵  یا همان قرنطینه زندان منتقل می شوند ، پیش از ورود به سالن قرنطینه تمام زندانیان در قسمت ثبت سوابق انگشت نگاری و عکس برداری می شوند و برایشان کارتکس صادر می شود ، واحد قرنطینه شامل ۴ سالن می شود که ۲ سالن در حال بهره برداری و ۲ سالن برای مواقع شلوغی و اضطراری است ، از سالنهای فعال یک سالن محل نگهداری افغانیهاست که بیشتر به اتهام اقامت غیر مجاز و جرایم سبک بازداشت می باشند و دقیقا مانند زندان اوین با هدف بهره کشی و بیگاری در قرنطینه نگهداری می شوند و سالن بعدی قرنطینه محل نگهداری سایر متهمین  بازداشتی پیش از انتقال است.

جو داخلی سالنهای سوله ای شکل قرنطینه قابل باور نیست ، صدها تخت ۳ طبقه کنار هم قرار گرفته اند تعداد زیادی از این تختها فاقد پتو هستند و چوب کف تختها دیده می شود ، از همان لحظه اول استعمال و خرید و فروش مواد مخدر به طور علنی شروع می شود. تقریبا همه بازداشتیها سابقه دار و کار کشته هستند و برخلاف زندان اوین مواد مخدر بسیار ارزان است و فقط با ۲ برابر قیمت واقعی خرید و فروش می شود نه با قیمت ۲۰ برابر قیمت حقیقی که در زندان اوین خرید و فروش می شود.
کثیفترین و بدترین سرویسهای بهداشتی در سطح شهر شاید صدها برابر از سرویسهای بهداشتی قرنطینه تمیز تر باشند.
در هر سالن ۵ توالت وجود دارد که فقط ۴ تای آن کار می کند و آب دارد که آنقدر آشغال و خاک و کثافت در آن وجود دارد که باور کردنی نیست ، از حمام که به طور مطلق در قرنطینه خبری نیست و در ته سالن یک اتاقک به نام فروشگاه وجود دارد که فقط بیسکویت و آبمیوه و سیگار می فروشد ، حتی امکان ندارد شلوغ ترین ترمینالهای مسافربری اینقدر شلوغ باشند معنی واقعی هرج و مرج متغلق به قرنطینه قزلحصار است ، مافیای زیر زمینی قرنطینه از طریق افغانیهای قابل اعتماد اداره می شود و آنها زحمت خرید و فروش و نقل و انتقال وجوه مواد مخدر را می کشند ، از هوش رفتن و غش کردن و یا تشنج کردن و استفراغ کردن عادی ترین اتفاقی است که در قرنطینه رخ می دهد.

از دکتر و درمان و بهداری به طور مطلق  خبری نیست مگر اینکه کسی یا به مرحله مرگ برسد و یا بمیرد تا به سردخانه بهداری ببرند. مردن در زندان قزلحصار عادی ترین و قابل قبولترین اتفاقی است که در آن می افتد و به قولی کک کسی هم نمی گزد ، تهویه مطبوع هوا و بهداشت و درمان و نظارت آنقدر ضعیف  است که مامورین وارد محوطه نگهداری زندانیان نمی شوند و سنگینی هوا و دود سیگار صدها نفر که همزمان سیگار می کشند در مواردی باعث می شود که افراد دچار مشکل تنفسی و بیهوشی و تهوع شوند ، غذای قرنطینه خلاصه می شود در هر نفر تکه ای نان و پنیر که باید خورد و تحمل کنند تا به اندرزگاههای اصلی منتقل شوند.

البته در قرنطینه همه مشکلات بهداشتی و غذا و هوا و آلودگیهای گوناگون یک طرف و آزادی معتادان محکوم شده به زیر ۳۰۰ هزار تومان یکطرف . هر شب چیزی در حدود ۵۰۰ الی ۷۰۰ نفر به قرنطینه وارد می شوند و بیش از نصف آنها در همان شب اول آزاد می شوند.

حالا شما حساب کنید تقریبا ۹۰% آزاد شدگان معتادانی هستند که بنا به دلایل و انگیزه های نامعلوم دستگیر و پرونده سازی شده و محاکمه و به جریمه و شلاق محکوم می شوند و طی ۲۴ ساعت و در برخی موارد فقط با خوردن یک عدد شلاق آزاد می شوند و در این عملکرد چه خیر و صلاحی وجود دارد کسی نمی داند.

این افراد امان همه را از زندانی تا ماموران می برند . حالا شما حساب کنید که این حجم معتاد و کارتن خواب که اکثرا حتی یک ریال درجیب برای بازگشت به محل اقامت خود خصوصا به تهران ندارند ساعت ۹ تا ۱۱ شب با خانه ها و شهرکها و اتومبیل های سر راه چه می کنند. بله آقایان درست مانند آفت حمله ملخها هر چه بر سر راهشان باشد نابود می کنند چون مددکاری وجود ندارد که با این همه بودجه و درآمدهای گوناگون و مصادره اموالها و اخذ جریمه های میلیاردی توسط دادگاه انقلاب فقط و فقط نفری ۵۰۰ تومان به آقایان از جهت بازگشت به تهران بپردازند و به خاطر نپرداختن همین مبالغ کم خیلی ها اموال خود را از دست می دهند از موتور سیکلت و ماشین و لباس روی بند تا کفش های داخل راهروی آپارتمان و اتومبیل و لوازم داخل خودرو که به سرقت می رود در حالی که خرج راه طبق قانون برای زندانی تعریف شده است.

****** خروج از قرنطینه و انتقال به اندرزگاهها و شرح مستقلات قزلحصار *****

پس از اتمام مدت اقامت در قرنطینه افراد و متهمین از طریق واحد اجرای احکام بر خلاف زندان اوین که افراد با درحه نقدینگی و چرب بودن تقسیم می شوند در قزلحصار چنین سیستمی حداقل در مرحله انتقال به اندرزگاهها حاکم نیست و افراد را اکثرا به نسبت قرار صادره و نوع اتهام و میزان اتهام و یا نوع محکومیت به اندرزگاهها انتقال می دهند مثلا قرار بازداشتیها و اعدامیها و مواد مخدریهای قرار سنگین را به اندرزگاه ۲ می فرستند.
مواد مخدریهای جرم و قرار سبک به همراه محکومین زیر ۵ سال حبس را به اندرزگاه ۸ یا به قول معروف یک شاهی ها می فرستند. جرایم غیر مواد مخدر کرج و حومه و شهریار را به همراه عده ای متهمین جرایم خاص مانند شرارت به اندرزگاه ۳ که روبروی درب برقی است و زیر ساختمان اداری زندان قرار دارد می فرستندالبته زندان قزلحصار به این ۳ اندرزگاه ختم نمی شود.

اندرزگاه ۱ محل نگهداری محکومین حبس قطعی جرم سنگین و ابدیها و محکومین بالای ۵ سال حبس است ، اندرزگاه ۴ محل نگهداری محکومین رای کاری است که مشغول کار در واحد کارخانجات قزلحصار از جمله نجاری و پتو بافی و کفاشی و تاسیسات و واحد موتوری می باشد و چندین سالن مستقل دیگر که محل نگهداری زندانیان رای باز و نیمه باز می باشد که اکثرا در واحد کشاورزی کار میکنند که جمع اندرزگاهها و مستقلات و محل اقامت زندانیان همان مشروح بالا ست.
البته این مجموعه بسیار عظیم که چیزی نزدیک به ۱۵ هزار زندانی دارد واحد مستقلی به نام قرنطینه ویژه نیز دارد که تحت کنترل و اختیار حفاظت اطلاعات زندان قزلحصار است.

****** شرح تحویل و تقسیم زندانیان در اندرزگاهها ******

در زندان قزلحصار هر یک از اندرزگاهها بنا به تناسب و تعداد زندانی که در آن قرار دارد دقیقا سیستم یک زندان مستقل را دارد که مجموعی از این اندرزگاهها که هر کدام در اصل یک زندان مستقل است زندان قزلحصار را تشکیل می دهند.
همه اندرزگاهها دارای بهداری مستقل و ریاست و مدیریت و حفاظت و اطلاعات و مددکاری و واحد فرهنگی مستقل و حتی تعاونی و خط مشی مستقل می باشد.

در بدو ورود به اندرزگاه بازرسی بدنی مفصلی انجام می شود که این بازرسی بدنی بر خلاف زندان اوین که چند نفر را در مقابل چشم یکدیگر لخت مادرزاد می کنند ولی در قزلحصار اتاقکهای کوچک و یا پرده در نظر گرفته شده و افراد را به صورت مجزا بازرسی می کنند.

پس از بازرسی افسر نگهبان بدون کمترین برخورد زندانیان جدید ورود را به سالنها راهنمایی می کنند ، دقیقا بر خلاف زندان اوین در زندان قزلحصار سر وکیل بند وجود ندارد و باز بر خلاف زندان اوین که وکیل بندها حتی در امور اداری و تقسیم بندی زندانیان دخالت می کنند در زندان قزلحصار اصلا از این خبر ها نیست تمام مراحل نقل و انتقال زندانیان از طریق افسر نگهبانها و مدیریت اندرزگاها انجام می شود.

تقریبا نام ساختارهای اداری و مدیریتی و حتی ساختمان اندرزگاهها از یک سیستم و نقشه مشترک تبعیت می کنند ، در قسمت ورودیه اندرزگاهها مستقلات و دفاتر افسر نگهبانی و حفاظت و اطلاعات و تحقیق و بازرسی و مددکاری و بهداری و ریاست اندرزگاه قرار دارد.

طول سالن مادر اندرزگاهها که درب همه سالنها ی اندرزگاه به آن باز می شود چیزی حدود ۳۰۰ متر است که در قسمت انتهای سالن مادر باشگاه و واحد فرهنگی و فروشگاه مادر قرار دارد ، هر یک از سالنهای بزرگ در اندرزگاه تعداد ۲۴ اتاق دارند و جمعیتی حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر را در خود جای می دهند و داری فروشگاه و آرایشگاه مستقل می باشند و سالنهای کوچک دارای ۱۴ اتاق می باشند و جمعیتی حدود ۷۰ تا ۹۰ نفر را در خود جای می دهند و از فروشگاه و آرایشگاه سایر سالنها استفاده می کنند.

هر اندرزگاه دارای ۹ سالن است و ترتیب و مبنای نگهداری زندانیان در اندرزگاهها نوع جرایم نیست چون قبلا این تفکیک توسط متولیان انجام شده و فقط مبنای نگهداری ملیتها و قومیتها و دوستی دوستان و آشنایان است که این ترتیب نگهداری باعث کمترین تنش و برخورد میان زندانیان می شود مثلا:

سالن ۱ اندرزگاه ۲ در اختیار بلوچها است.
سالن ۲ اندرزگاه ۲ در اختیار ترکها است.
سالن ۳ اندرزگاه ۲ در اختیار افغانیها است.
سالن ۴ اندرزگاه ۲ در اختیار ترکیبی از ترک و کرد و لر است.
سالن ۵ اندرزگاه ۲ در اختیار جوانان و نوجوانان است.
سالن ۶ اندرزگاه ۲ در اختیار افغانیهای قاتل و منتظرین اجرای حکم اعدام است.
سالن ۷ اندرزگاه ۲ تحت اختیار بیماران روانی و مصرف کنده داروی روانگردان و متادون است.
سالن ۸ اندرزگاه ۲ در اختیار خدمات اندرزگاه است.
سالن ۹ اندرزگاه ۲ محل نگهداری زندانیان تنبیهی است و دارای اتاقهای انفرادی و چند نفره است و تحت اختیار حفاظت اطلاعات و تحقیق و بازرسی اندرزگاه است.

جالب اینکه به راحتی می توان گفت تمام این ترتیبها در تمام اندرزگاههای زندان قزلحصار یکسان است یه غیر از اندرزگاه ۵ قرنطینه که ثبات جمعیتی ندارد ، البته در زندان قزلحصار هم مانند زندان اوین سالن و اندرزگاه نمایشی و فرمایشی از جهت گول زدن و منحرف کردن بازدیدکنندگان وجود دارد.

در زندان قزلحصار اندرزگاه ۳ که روبروی درب اصلی است با شیشه های دودی و رفلکس پوشانده شده و اندرزگاه نمونه از جهت نشان دادن به بازدیدکنندگان است که امکانات آموزشی و فرهنگی و رستوران و ساندویچی و باشگاه و خشک شویی در آن ایجاد شده تا هر چه بیشتر بازدیدکنندگان را گول بزند در حالی که هیچ یک از این امکانات در اندرزگاههای دیگر وجود ندارد. البته متولیان زندان برای بازدیدهای مشکل ساز و غیر مترقبه نیز فکر کرده اند و ۲ سالن اول اندرزگاهها را سنگ و سرامیک کرده اند و با توجه به طولانی بودن مسافت سالنها بیشتر بازدید کنندگان به ۲ سالن اول چپ و راست قناعت می کنند بدون اینکه بازدید کارامدی داشته باشند و از وضعیت زندانیان جویای حال شده باشند.

## **** وضعیت زندانیان در اندرزگاهها و سالنها ****

**در اندرزگاههای زندان قزلحصار سالنهای کوچک و سالنهای بزرگ وجود دارد که به تناسب از محوطه بزرگ و کوچک حیاط بهره مندند.**
**در انتهای سالنها قسمت ظرفشویی و دستشویی و توالت و حمام قرار دارد که در اکثر مواقع آب گرم قطع است و با تعداد زیاد زندانیان مراعات بهداشت بسیار سخت است و وجود شپش و کنه چیزی بسیار عادی در سالنها است ، بیشتر امکانات موجود در سالنها از کاشیهای حمام گرفته تا لوله کشی و برقکشی همه متعلق به زمان قبل از انقلاب است.**
**کهنگی و مستهلک بودن دوشهای حمام و جرمهای درب و دیوار آدم را یاد حمامهای قدیمی مرکز تهران می اندازد البته نه از نوع تمیز و مرتبش بیکه از نوع کثیف و آلوده اش.**
**سیگار کشیدن به طور کلی و عمومی در همه جای سالن آزاد است از اتلق و سالن و نمازخانه تا حمام و دستشویی و حیاط و خلاصه استعمال سیگار با ۱۰۰% آزادی آزادی و استعمال مواد مخدر با بیش از ۹۰% آزادی جزء متعلقات و دستاوردهای غیر قابل انکار زندان قزلحصار است.**

**بر خلاف زندان اوین که افراد از فندک برای سرخ کردن سیخ و سنجاق برای استعمال مواد مخدر استفاده می کنند ولی در زندان قزلحصار این مشکل حل شده است و درهر اتاق به تعداد مصرف کنندگان و حتی بیشتر چراغ فتیله ای و پی سوز وجود دارد که خیلی از این چراغها در طی شبانه روز زمان بسیار اندکی خاموش می شوند و بیشتر به طور دائم روشن هستند و در کنار آنها آقایان به طور دسته جمعی و یا انفرادی انواع و اقسام مواد مخدر را مصرف می کنند وبرخی زمانها در یک اتاق ۲۴ نفره تا ۱۰ عدد چراغ فتیله ای روشن است که آنها را با ظرفهای خالی کنسرو ماهی درست می کنند.**

**درجه بندی مقدار مصرف مواد مخدر اول متعلق به کراک است و پس از آن به ترتیب هروین _ شیره تریاک _ تریاک _ حشیش _ شیشه و قرص که همه موارد نام برده بدون هیچ مشکلی به راحتی در دسترس است ، استعمال کنندگان مواد مخدر در زندان قزلحصار بر خلاف مصرف کنندگان زندان اوین اکثرا خلافکاران کارکشته و حرفه ای هستند.**

**همانگونه که گفتم بیشتر افرادی که مدتهای طولانی در زندان می مانند دارای جرایم سنگین و سازمان یافته هستند و یا افرادی در غیاب آنها در یک چرخه بسیار عادی کار را ادامه می دهند و بیشتر در اوج خلاف و کسب درآمد دستگیر شده اند و حال باید مدتی را با کمترین برخورد و تنش در سکوت کامل در کنار همکاران و خلافکاران حرفه ای سپری کنند که این قضیه باعث می شود در زندان قزلحصار جز مواردی بسیار نادر درگیری و زد و خورد مهمی رخ ندهد.**

**در زندان قزلحصار بر عکس زندان اوین زندانیان کمتر به زندانبانان راه می دهند که در امور مافیای زندان مستقیما دخالت داشته باشند بلکه از مامورین و متولیان زندان به عنوان ابزار و آلت دست برای رسیدن به مقاصد و اهداف و مرتفع کردن نیازها استفاده می کنند.البته این نقطه قوت مدیریت زندان قزلحصار است چون بر عکس زندان اوین هیچکس مستقیما با کسی تماس نمی گیرد و خلافکار جایگاه خود را دارد و مامور جایگاه خود را.**
**بیشتر بافت و ساختار جمعیتی مافیای سالنها متشابه یکدیگر است. اتاقهای کوچک در سالنها در اختیار سر شبکه ها و باندهای کوچک است که برای قرنطینه اطلاعاتی و امنیت فرد غریبه به اتاق راه نمی دهند و به غیر از کنترل و هدایت تجارت مواد مخدر و راه انداختن قمارهای شبانه دورا دور دستی بر آتش معاملات اندرزگاه دارند که در صورت کمیاب شدن مواد مخدر در سالنهای دیگر وظیفه واردات و صادرات مواد مخدر را به نفع همکاران خود در سالنهای دیگر انجام می دهند که این مبادلات به کمترین سود انجام می گیرد تا در صورت مشکلات متشابه باندها و سر شبکه ها به هم کمک کنند که البته مشرف بودن پنجره های اتاق ها به محوطه حیاط سایر سالنها این مشکلات را حل کرده است.**

مثلا اتاقهای شمالی سالن ۲ به حیاط سالن ۱ مشرف است و حیاط سالن ۲ به پنجره های اتاقهای سالن ۳ یعنی در اصل بدون تردد از طریق درب اصلی سالنها هم زمان ۳ سالن با هم در ارتباط مستقیم هستند و هرگونه معاملات و مبادلات بدون کوچکترین مشکلی انجام می شود.

******* ناهنجاریهای رایج در اندرزگاهها و سالنها ******

همانگونه که به صورت کامل فضای حاکم و ساختار معاشرتی سالنها را به همراه دسته بندی و چینش افراد و گروهها توضیح دادم این اجتماعات کوچک به خودی خود دارای ساختار اجتماعی بسیار منظمی از نظر حاکمیت افراد در سالنها و سلسله مراتب هستند.
اتاقهای مافیایی دارای جمعیت کمتر از حد استاندارد و اتاقهای با اهمیت کمتر بدون کف خواب و به اندازه تعداد تختها جمعیت دارند و اتاقهای سکونت دلالان و مصرف کنندگان به غیر از نفراد به تعداد تخت خوابها پر است از افراد کف خواب در اتاق وکیل بند در قزلحصار اختیارات و قدرت و رابطه اش مانند رابطه و اختیارات و قدرت وکیل بند در زندان اوین نیست.

وکیل بند ها در زندان قزلحصار بر مبنای ساختار موجود و منافع مالی و درآمدی خاص و نبود مسائل متشابه کار چاق کنی کار و بار چندانی ندارند و به آنها هیچ گونه نقش پر رنگی در اداره امور نمی دهند چون در زندان قزلحصار اصول اداره زندان بر مبنای اصول اصلی زندانبانی و قوانین سابق شهربانی اداره می شود و بیشتر مامورین نیز مامورهای شهربانی محسوب می شوند و حداقل هرج و مرج اداری حاکم نیست.

شاید مفاسد متفاوت رایج باشد ولی هر چه هست و نیست در امور زندان و زندانیان دراختیار زندانبانان است ، در زندان قزلحصار همانگونه که زندانیان و مافیای زندان اجازه ایفای نقش و دخالت به زندانبانان در محدوده سالنها نمی دهند همانگونه نیز زندانبانان به زندانی هر قدر هم گردن کلفت و صاحب قدرت باشد اجازه دخالت در اداره امور زندان را نمی دهند و هر کس در محدوده قلمرو خود عمل می کند و این دقیقا نقطه مقابل در زندان اوین است چون دقیقا در زندان اوین زندانبانان جیره خوار و سگ دست آموز مافیای زندان است.

زندانیان صاحب نفوذ و قدرتمند و کارچاق کن در زندان اوین مانند وکیل بند و سر وکیل بند با تسلط کامل متولیان و مدیران زندان را تطمیع و کنترل و هدایت می کنند و میدان ندادن متولیان زندان به این افراد ضربات سختی از جهت کسب درآمد به آنان می زند و عدم همکاری پنهان و آشکار با این افراد قدرت کسب درآمد را در متولیان زندان به صفر می رساند.

در زندان قزلحصار تردد و مزاحمت و یا بازرسی و بازدید زندانبانان به حداقل محدود می شود و شاید سالها زندانی در قزلحصار باشد که رییس زندان را رو در رو ندیده باشد ، محدوده اندرزگاه و سالنها دقیقا مانند بازار بورس خرید و فروش انواع و اقسام مواد مخدر است که در این محیط همه نوع مواد مخدر و حتی لوازم صوتی و تصویری قانونی و غیر قانونی خرید و فروش می شود از یخچال و تلویزیون تا موبایل و سیم کارت و MP3 و MP4 و DVD .
در قزلحصار داشتن همه چیز مجاز است و آزاد به شرط آنکه پول آن پرداخت شود. در قزلحصار هیچ اتاقی نیست که چند دستگاه گوشی موبایل و دها سیم کارت نداشته باشد ، دقیقا قزلحصار هم از جهت امکانات مانند زندان اوین است و شما هیچ چیزی با مشخصات دولتی در آن نمی بینید حتی کوچکترین اقلام زندگی و همه چیز از جیب خانواده زندانیان تامین و تدارک دیده شده است ، گوشی درجه ۳ موبایل تا ۵۰۰ هزار تومان خرید و فروش می شود و سیم کارتهای اعتباری نیز تا ۲۰۰ هزار تومان خرید و فروش می شوند البته در قزلحصار مبادلات و معاملات و مراسلات دیگری نیز وجود دارد.

از خرید و فروش برده و بچه و خدمتکار و هم خوابه تا دایر کردن قمارهای میلیونی که در چند نوع به صبح و سنگ به سنگ برگزار می شود که در آن نقدا به صورت پایا پای در زندان مواد مخدر ردو بدل می شود و تلکه

قمار هم به مسوول اتاق محل قمار می رسد و چیزی میانگین شبی ۵۰۰ تا ۱ میلیون تومان عوارض افسر نگهبانی پرداخت می شود.
پس درگیری میان زندانیان و زندانبانان به نفع هیچ کدام از دو گروه نیست و همه مبادلات و تخلفات به هماهنگی دو طرف انجام می شود.
تجاوز و لواط و بهره کشی یکی از مهمترین و رایج ترین اعمال در زندان قزلحصار است اگر نوجوان و جوان معتاد باشد که هیچ او را در تنگنا قرار می دهند و در اتاقهای دسته جمعی به عنوان معشوق مصرف مشترک می نمایند و اگر مقاومت نماید مقدار اعتیاد او را بالا می برند و به مرحله نابودی می رسانند و بعدا او را در مسیر تجاوز و بهره کشی جنسی قرار می دهند. در مواردی هم که جوان و نوجوان سلامت است در پله اول با قرار دادن در محافل لهو و لعب از تریاک و حشیش و شیشه کشی تا مشروب خوری او را آلوده می کنند و اگر جواب نداد از طریق قرص آلوده اش می کنند و اگر باز جواب نداد از طریق نرم و ذره ای آلوده اش می کنند. او را در ارتباط جنسی با هم سن و سالان خود آزاد می گذارند و یا پتوی رو انداز او را در قسمت تماس با صورت به پودر هرویین آغشته می کنند و یا در خواب آرام آرام جلوی بینی اش می ریزند و اعتیاد ناخواسته و سردردها و دردهای بدنی او را به طرف مواد مخدر می کشاند و برای خلاصی از درد معتاد می شود و تازه مرحله بهره کشی و سکس مداوم و تجاوز و خرید و فروش سکس آغاز می شود.

البته در مواردی هم کار به این مرحله نمی رسد و با زورگیری و تجاوز کار پایان می یابد که در بیشتر موارد با بدهکار کردن شخص انجام می شود ، اما در مقام دفاع هرگونه تماس از جهت اطلاع دادن به مامورین و مسائل مشابه آدم فروشی تلقی می شود و تنبیهات سختی به همراه دارد و در مواردی به نقص عضو و حتی مرگ منجر می شود.

شکنجه کردن و ضرب و شتم فرد در داخل سالنها به دست شبکه های مافیایی چیز عادی است و حتی احتمال دارد چندین روز شخصی را دست و پا بسته فقط برای زهر چشم و گرفتن طلب و یا حتی تجاوز در زیر تخت بیاندازند بدون اینکه کسی آگاه شود . یا مانند حیوان وحشی شکار شده از میله ای افقی آویزان کنند و با بستن دهانش و حتی در مواقعی با همان دهان باز شکنجه دهند و سایر زندانیان از ترس به جایی خبر ندهند و یا در مواردی افرادی را که مشکوک به آوردن مواد مخدر در معده شان هستند در اتاقهای خود قرنطینه کنند و چند لیتر آب نمک و یا مایع ظرفشویی و روغن مایع می خورانند و یا حتی شلنگ آب را در مقعدش فرو برده و آب را باز می کنند و یا برای تنبیه کسی به طور دسته جمعی به او تجاوز می کنند و بدن او را با آتش سیگار از دهها جا داغ کنند و بسوزانند و یا فرد تازه وارد و یا ضعیف و بدهکار را وادار کنند که از طریق اعزام به دادگاه و یا بیمارستان مواد مخدر بلعیده و وارد کند و یا او را با ارعاب و ضرب و شتم وادار کنند که از نوامیس و خانواده اش بخواهد که در هنگام ملاقات برای او مواد مخدر بیاورند تا بتوانند تحویل دهد و از شکنجه و رعب و وحشت خلاص شود.

درتمام این مراحل و فجایع و جنایتها دقیقا و عملا سیستم مدیریتی و زندانبانی هیچ نقشی و مسوولیتی را نمی پذیرد و کسی به وجود آنها اهمیت نمی دهد و بیشتر آنها در حال تجارت و معاملات پر سود مواد مخدر با رابطین خود هستند و بر هم خوردن این نظم و نظام منافع آنان را به خطر می اندازد پس تمام فجایع و جنایات به شرط اینکه منافع آنان را تامین کند آزاد است حال می خواهد تجاوز و اذیت و آزار جنسی و جسمی و ضرب و شتم و یا قمار و یا آلوده کردن افراد به اعتیاد و یا زورگیری و سوء استفاده و یا بهره برداری باشد.

****** مبادلات مواد مخدر و نقش مامورین و مافیای زندان ******

می توان گفت زندان قزلحصار از نظر کسب درآمد به طور مطلق تک محصولی است و آن فقط مواد مخدر است ، خرید و فروش و تهیه و توزیع و حمل و نگهداری و نقل و انتقال مواد مخدر تقریبا عملی و رایج و مرضی اپیدمی شده است ، هر کس که در زندان قزلحصار خارج از این جرگه و جریان باشد به خودی خود حذف میشود.

شبکه ها و دسته های مافیایی و نقل و انتقال مواد مخدر و تحویل پول در زندان قزلحصار صدها بار قدرتمند تر از مافیای زندان اوین هستند به قول زندانیان حرفه ای قزلحصار "" زندانبان مثل سگ است. "" همانقدر که نگهبان و وفادار به صاحبش است با این حال رشوه خوار بودن با ذات او آمیخته است و در برابر کسی که برایش استخوان بیاندازد دم تکان می دهد.
مواد مخدر از درب و دیوار و آسمان و زمین وارد محدوده و محوطه زندان قزلحصار می شود از آسایشگاه سربازان و درجه داران و مامورین گرفته تا ساختمانهای اداری و بهداری و آشپزخانه و تاسیسات و برجکهای بلند نگهبانی و یا حتی واحد فرهنگی و واحد اعزام و واحد فروشگاه داری و تعاونی زندان و حتی سیستم مدیریت و حفاظت و پرسنل اداری آن که خلاصه کسی بی کار نیست.

این در حالی است که در زندان اوین بورس مواد مخدر در دست عده معدودی است به طوری که در اندرزگاه ۷ در دست ۲ نفر و در اندرزگاه ۸ هم رییس اندرزگاه سر شبکه مافیا است ، ولی در زندان قزلحصار از این انحصار طلبی ها خبری نیست چون آنقدر گردش مالی در زندان قزلحصار بالاست که غیر قابل باور است و هیچ کس نمی تواند انحصارا خود را مالک آن بداند هر کس در محدوده و منطقه خود فعالیت می کند و از این بازار حجیم و پر سود سهم خود را می برد.

شما حساب کنید چیزی حدود ۱۵ هزار نفر زندانی در زندان قزلحصار به صورت دایم و موقت زندگی می کنند شک نداشته باشید که از این تعداد اگر دست کم فرض کنیم ۱۲ هزار نفر معتاد و مصرف کننده و خریدار و فروشنده مواد مخدر وجود دارد که اگر حداقل خرید هر مصرف کننده را فقط ۳۰ هزار تومان حساب کنیم که خیلی بیشتر از این حرفهاست چون کسانی هستند که روزی بیش از ۲۰۰ هزار تومان مصرف مواد مخدر دارند و در اصل سالیان سال اندوخته های خود در تجارت مواد مخدر را در زندان مصرف می کنند که با یک حساب سر انگشتی و با در نظر گرفتن اینکه اگر از ۱۵ هزار نفر زندانی قزلحصار ۱۲ هزار نفر آنها ۱۰۰% مصرف مواد مخدر دارند به راحتی می توان فهمید که حداقل گردش مالی در این زندان چیزی حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان در روز است که این گردش مالی هر رییس و مرئوس و کارمند و کارگر و مامور و حفاظت اطلاعاتی و امنیتی و دکتر و بهیار و راننده و تاسیساتی و پیمانکار و خلاصه ریزو درشت زندانبان را از راه به در می کند و هر کس از این قافله عقب بماند بازنده تلقی می شود و گواه این مدعا هزاران پرونده تشکیل و رسیدگی شده در مقوله نقل و انتقال مواد مخدر توسط پرسنل و کارکنان و کارمندان زندان است که در آن از کارکنان تعاونی و پزشک و بهیار و درجه دار و افسر و حتی روحانی واحد فرهنگی دیده می شود. ( آمار ارائه شده توسط متولیان زندان قزلاحصار در جراید ۱۵۸۰۰ )

در طی ۴ ماه اقامتم در قزلحصار دها نفر مشابه افراد بالا را خود دیده ام و شنیده ام که با مواد مخدر دستگیر شدند ، همین اواخر بود که کارکنان بخش تعاونی پس از ماهها و سالها فعالیت با چندین کیلو کراک و انواع مواد مخدر در لابلای گوشت و مرغ دستگیر شدند. البته این نوع موارد مهم تلقی نمی شود چون سریعا نقاط ترانزیت آسیب پذیر و شبکه های نقل وانتقال وتجارت تغییر ماهیت داده و از راههای جدید و افراد جدید کار را با شدت هر چه بیشتر شروع می کنند.
در همین اواخر تعدادی از متولیان در واحد کلید داری و مراقبت و بهداری و افسر نگهبانی و واحد اعزام با اوزان سبک و سنگین مواد مخدر دستگیر شدند که کم وزن ترین این محموله ۱۰۰ گرم کراک و بزرگترین آن چند کیلو کراک و حدود ۱۰ کیلو گرم تریاک در کپسول های گاز بود.

خلاصه لحظه ای تجارت در این شهر مافیایی کوچک معروف به سیسیل زندانهای ایران متوقف نمی شود. به هیچ عنوان به هیچ کسی اجازه داده نمی شود که این موسسه و تشکیلات مولد پول و ثروت را از رونق بیاندازد حتی اگر قدرتمند ترین فرد اجرایی در سازمان زندانها و قوه قضاییه باشد ، مگر می شود در ایران جایی را پیدا کرد که آدم بدون دردسر و با کمترین نقطه آسیب پذیری در کمتر از چند ماه به صدها میلیون ثروت دست پیدا کند.

یک نفر شاغل در قزلحصار کافیست با یکی از سر شاخه ها در سالن ها ارتباط بر قرار کند و طی یک تماس تلفنی که از طریق صدها موبایل در زندان با رابطین برقرار می شود با او ارتباط برقرار کنند و آن شخص یک

بسته کوچک یک کیلویی کراک را که حجم چندانی هم ندارد در خارج از زندان تحویل بگیرد و در وقت مقرر و در مکان مقرر در زندان تحویل رابط بدهد و یا در زمان مقرر مواد فوق را در مکان خاص قرار دهد و یا پرتاب کند و در قبال چنین کاری مبلغ خالص ۵۰ میلیون یعنی در قبال هر گرم ۵۰ هزار تومان دریافت نماید.
حالا شما قضاوت کنید که در برابر بدست آوردن چنین پولی خصوصا در میان ماموران واحد ۲ چه غوغا و رقابتی است. از در و دیوار اندرزگاهها و سالنها مواد مخدر سرازیر است. هیچ کس حتی یک لحظه را هم از دست نمی دهد چون معلوم نیست آیا فردا نیز در این بهشت پول چاپ خواهند کرد یا خیر؟

به ویژه ماموران پیمانی سازمان زندانها و درجه داران و افسران که همگی قراردادی هستند و هیچگونه امنیت و تضمین شغلی برایشان وجود ندارد و اندرزگاهها به آنها سپرده می شود از کلید داری و مراقبی و محوطه بانی تا سایر کارها که مستقیما با زندانیان و سالنها و افراد سرو کار دارند.

حتی برخی اوقات افراد خارج از محدوده اندرزگاهها نیز از قافله دور مانده اند و مستقیما نمی توانند با زندانیان ارتباط بر قرار کنند نیز خود را بی نصیب نمی گذارند و با پیدا کردن نقاط کور و نزدیک به دیوار محوطه سالنها و اندرزگاهها از طریق افراد رابطین را پیدا می کنند که در قبال دریافت مبالغی مواد مخدر را به طور پرتابی با قرار دادن در جورابهای بلند در بسته های ۱۵۰ تا ۲۰۰ گرمی پرتاب می کنند.

در برخی از روزها تا ۱۰ پرتاب به چند حیاط ویژه و در دسترس انجام می شود و برخی اوقات حتی خلافکارهای سالنهای دیگر از محوطه سالن در تیر رس استفاده می کنند و به آورندگاه یک پنجم وزن مواد مخدر پرتابی را هزینه انتقال و تحویل می دهند.

البته چند مدتی است که اطراف دیوارها را تا ۵ متر سیم خاردار کشیده اند ولی باز با این حال نقاط زیادی برای این کار یافت می شود مثلا اتوبوس و مینی بوس را نزدیک سیم خاردار می آورند و از بالای آن مواد را به محوطه پرتاب می کنند این در حالیست که همه این اعمال در حیاط اصلی زندان انجام می شود و ربطی به محوطه بیرونی زندان ندارد البته هرازگاهی مامورین برجکهای دیده بانی نیز زحمت این کارها را می کشند.
البته تمام موارد بالا به غیر از مواد مخدری است که زندانیان با خود از دادگاه آنهم به مقدار ناچیز می آورند.
درمحوطه دادگاهها درجه داران و سربازان اعزام در قبال گرمی ۲۰ الی ۲۵ هزار تومان بسته مواد مخدر را از رابطین گرفته و به زندانی تحویل می دهند و زندانی از طریق بلع مواد ره به زندان انتقال می دهند. البته آنقدر مسیر گوناگون برای انتقال مواد به زندان قزلحصار وجود دارد که قابل باور نیست.

حتی حسابداران واحد ثمین و اتوبوس داران تحت اجاره زندان نیز از این وسوسه مصون نمانده اند و یا اتو مبیل کارکنان و مدیران از قلم نیافتاده و افرادی با شناسایی اشخاص نام برده مواد مخدر را در بدن و یا اطراف سپر جاسازی می کنند و در فرصت مناسب از طریق رابطین آنرا به داخل اندرزگاه منتقل می کنند.
خلاصه همه چیز و همه کس خواه نا خواه مستقیم و غیر مستقیم در خدمت مافیای مواد مخدر و جریانات مربوط به آن هستند.

انحصار و کنترل تمام فروشگاههای اندرزگاهها و سالنها توسط مافیای مقتدر مواد مخدر که باعث شده حتی فقط برای انحصار طلبی سرقفلی فروشگاها تا ۳۰ میلیون تومان در برخی سالنها برسد و فروشگاهها سیستم کار آمد نقل و انتقال پول و پولشویی هستند که تقریبا همه امور مالیاتی و گردش پول در زندان در دست آنان است از تحویل گرفتن مبالغ و یا پرداخت وجوه معاملات مواد مخدر در خارج از زندان و تا تضمین اعتبار افراد در محافل قمار شبانه که برخی زمانها برد و باخت ها در یک شب به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان می رسد که پای ثابت آن مافیایی افغان و بلوچ و سر شناسان دیگر مواد مخدر از سایر سالنها هستند.

خلاصه همه این مسائل دست به دست هم می دهند تا قزلحصار بهشت مافیای زندانهای ایران باشد به ویژه اینکه ثروتمند ترین افراد را از زندانهایی مانند اوین و حتی رجایی شهر که متولیان آن قادر به نگهداری آنها نیستند از جهت معتاد کردن به قزلحصار می فرستند و این افراد علیرغم اینکه ۱۰۰% معتاد می شوند با ایجاد رعب و

وحشت  شبکه های فوق پیچیده مواد مخدر را در زندان می گردانند و برخی از آنان از طریق زندان به چنان ثروتهای افسانه ای دست یافته اند که اصلا دوست ندارند زندان را ترک نمایند.

البته تجارت  مرگ در زندان قزلحصار نیز بورس و غیر بورس و پایین شهر و بالای شهر دارد مثلا در اندرزگاه ۱ که محل نگهداری زندانیان حکم قطعی است و اعزام به مرخصی و شاغل و شاغل در امور کارگری زیاد دارد مواد مخدر مثلا کراک گرمی ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان است البته به صورت تک گرم فروشی.
این قیمت در اندرزگاه ۲ در بسته که محل نگهداری محکومین به اعدام و قرار بازداشتیها و محکومین جرم سنگین است و تردد در آن کم است گاهی قیمت کراک به گرمی ۱۵۰ هزار تومان می رسد و در اندرزگاه ۳ که رفت و آمد بیشتری وجود دارد و جرایم غیر مواد مخدر بیشتر در آن تردد دارند کراک گرمی ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان معامله می شود و در اندرزگاه ۸ که تمام جرم سبکها در آن تردد می کنند و باربرهای مواد مخدر هر روز با شکمهای پر وارد می شوند و با مامورین وارد کننده مواد مخدر در رقابت شدید هستند  مواد مخدر کراک از ۳۵ تا ۶۰ هزار تومان در گرم خرید و فروش می شود که تمام این خرید و فروشها و نقل و انتقالات پولها همگی پس از فروشگاه از طریق حساب جاریهای محرمانه و متغییر  دریافت می شود و یا مشتریها  وجوه را از طریق پیک موتوریهای تحت اختیار سران مافیا می فرستند و چون بیشتر خلافکاران دارای موبایل هستند پس از تحویل پول با آنها تماس گرفته می شود و آنها نیز مواد مشتری را می دهند و یا در روز چند بار صورت وضعیت و پرینت بانکی میگیرند و با مطابقت رسیدها مبالغ واریزی و مورد ادعای مشتری را تطبیق  و مواد مخدر را در اختیارش می گذارند.
خلاصه نقل و انتقال و خرید و فروش مواد مخدر در زندان قزلحصار عوارض و مالیات و حق و حساب کمتری نسبت به زندان اوین در بر دارد و در اصل جایزه بگیر کمتری تلکه گیری می کند ، ذات قضیه اینکه در زندان قزلحصار آنقدر از دور و نزدیک حق و حساب می رسد که نیاز نیست مانند زندان اوین متولیان و صاحبان امر دست به کاسه دلالان و واسطه ها برای امرار معاش باشند.

## ***** وضعیت بهداشت و درمان و غذا ****

در زندان قزلحصار بر خلاف زندان اوین که دارای ثبات بهداشتی است و هزینه مسائل بهداشتی را به طور تمام و کمال زندانیان شخصا می پردازند ولی در زندان قزلحصار این هزینه را علیرغم میلیونها تومان درآمد ماهیانه نه زندانیان می پردازند و نه مسوولین زندان و در طی هفته شاید فقط ۲ روز آنهم به مدت فقط ۲ ساعت با آب گرم در حمامها برای استحمام باشد.

با اینحال بر خلاف زندان اوین حداقل در دادن جیره بهداشتی فاصله یک ماه مراعات می شود و ان هم مربوط به سیستم و نظم شهر بانی چی های سابق است که شامل یک قالب صابون و نصف قوطی پودر رختشویی می شود.
سیستم لوله کشی و فاضلاب و آب گرم و درب و دیوار توالتها و حمامها متعلق به بیش از ۳۰ سال پیش است و مجموعه ای از انواع و اقسام بیماریها وباکتریها درب و دیوار سرویسهای بهداشتی و غیره را پوشانده است.

غذا در مقایسه با زندان اوین که خود نمره خوبی ندارد صفر است و زندانیان غذاهای زندان را با مواد غذایی که می خرند و به آن اضافه می کنند تبدیل به غذای قابل خوردن می کنند ، در روز ۲ وعده آب جوش  از جهت استفاده برای چای داده می شود. استفاده از اجاق گاز پولی است در حالی که این امر در زندان اوین رایگان است مثلا اگر بخواهی در آشپزخانه یک نیمروی ساده ۳ نفره بپزی باید ۳۰۰ تومان بدهی و یا اگر غذای سرخ کردنی بپزی ۱۰۰۰ تومان هزینه آشپزخانه می شود و یا اگر برای ۴ نفر ماکارونی بپزی باید ۲۵۰۰ تومان حق استفاده از شعله گاز را بدهی که در نوع خود یک جنایت است!!!! در حالی که شاید هر آشپزخانه در هفته ۳ کپسول ۱۱ کیلویی استفاده داشته باشد که به عبارت کپسولی هزار تومان می شود ۳ هزار تومان  ولی وکیل بند در قبال ۳۰۰ هزار تومان ماهیانه آشپزخانه را اجاره می دهد و متولی آشپزخانه بنا به گفته خودش ماهیانه نزدیک به یک میلیون تومان حق آشپزخانه و یا چراغخانه می گیرد.

در قزلحصار از هر نفر ۵۰۰ تومان به طور هفتگی شارژ سالن گرفته می شود که نسبت به زندان اوین که حق شارژ از ۲۵۰۰ تومان تا ۴۰ هزار تومان است خیلی منصفانه و بهتر است ، بیماری در زندان قزلحصار غوغا می کند از بیماریهای پوستی و گوارشی گرفته تا هپاتیت و سوزاک و سفلیس و ایدز که در وضعیت بدی به آنها رسیدگی می شود.

به هر بیمار ایدزی و هپاتیتی ماهیانه یک عدد شیر پاکتی یک لیتری می دهند به همراه داروهایی که از سراسر جهان به ویژه اروپا و آمریکا زیر نظر پزشکان بنیادهای خیریه ارسال می شود که با ارسال پرونده پزشکی بیماران ایدزی به درمانگاههای خیریه شرکتهای داروسازی برایشان ارسال می نمایند.

بیماریهای مربوط به روابط جنسی نامشروع غوغا میکند ، واقعا همان قوانین معاینه از راه دور و درمان از راه دور و حتی به طور شدیدتر از زندان اوین در قزلحصار اجرا می شود ، مرگ و میر بر اثر بیماریهای عفونی واقعا چیز بسیار پیش پا افتاده ای است که اصلا کسی را نگران و ناراحت نمی کند و مقدار خودکشی و اقدام به خود کشی بسیار بالاست.

روان درمانی و روانکاوی و وجود روانپزشک افسانه ای دست نیافتنی در زندان قزلحصار است ، در مقابل همه این کاستیها میزان بالای پول و قدرت در زندان قزلحصار باعث شده که دندانپزشکی مجهز و مدرن برای دریافت وجوه بسیار کلان وجود داشته باشد که حتی دندانپزشکان درجه یک بهترین جاهای ایران آرزوی چنین درآمدی را داشته باشند.

برخی اوقات کارهای پروتز و ساخت و کاشت دندان به ۳ میلیون تومان می رسد که نقدا پرداخت می شود ، حال اگر یک فرد بی پول سالیان سال در زندان باشد و کسی را نداشته باشد و یک دست دندان مصنوعی بخواهد و یا بخواهد یک دندان پر کند هیچ قدرتی نیست که از او دستگیری کند و هزینه آنرا بپردازد .

وضعیت فروشگاههای قزلحصار هم دست کمی از وضعیت فروشگاههای زندان اوین ندارد. البته با این تفاوت که در زندان قزلحصار این واحد آنقدر قدرتمند و ثروتمند است که باورکردنی نیست و حدودا نبض مافیا در دست متولیان آن است در حالی که در زندان اوین فروشگاهها برخی اوقات با دخالت متولیان دچار مشکل می شوند.

در قزلحصار چیزی به نام محدودیت نرخی و جنسی نداریم در بیشتر مواقع اقلام تفاوت خاصی با اقلام زندان اوین دارند و این به خاطر مقدار بالای پولی است که در زندان قزلحصار در جریان و در حال رد و بدل شدن است.

در قزلحصار افراد قدرتمندانه با مسائل برخورد می کنند و هر چیزی را به آنان نمی توان خوراند و یا فروخت و اتحاد بیشتری نسبت به زندانیان مالی زندان اوین با هم دارند و این مطلوب طلبی باعث می شود که فروشگاه و واحد تعاونی سیاست خاصی را پیش بگیرند و به این بهانه اجناس را به چند برابر قیمت بفروشند.

اما بزرگترین فاجعه نداشتن پول است که فرد بی پول راهی جز تن دادن به کارهای پست را ندارد. از تن فروشی گرفته تا کارگری و شستن رخت و لباس سایر زندانیان تا بتوانند با پول آن گذران کند و از پوکی استخوان و دود و دم سیگار و مواد مخدر با تغذیه محدود بگریزد.

## **** مسایل جنسی و برده داری ****

مسائل مربوط به اذیت و آزار جنسی بسیار در زندان قزلحصار رواج دارد و حتی افرادی به صورت برده جنسی خرید و فروش می شوند که البته این افراد یا بدهکار هستند و یا قدرتی برای دفاع از خود ندارند وبیشتر فریاد آنها به جایی نمی رسد چون اولا جرات اعتراض ندارند و دوما مامورین اهمیتی به شکایت این افراد نمی دهند.

ضرب و شتم و زور گیری جنسی رواج بسیاری دارد و حتی متولیان زندان برای تنبیه جوانان و نوجوانان بند جوانان آنان را به سالن بزرگسالان می فرستند که هیچ دستاوردی به جز تجاوز و تعرض و آلودگی ندارد.

**** مسائل مربوط به مددکاری و تلفن و ارتباط با خانواده ****

در زندان قزلحصار چیزی به نام مددکاری اصلا مفهومی ندارد و اصالتا وجود خارجی ندارد و مددکار در حد یک تابلو روی دیوار و یک اتاق است که در آن چند نفر شخص به درد نخور نشسته اند و فقط آخرین کاری که آنجام می دهند دادن صورت وضعیت و نگاه کردن پی در پی به ساعت دیواری است که چه زمانی ساعت کار تمام شود و بروند و آنقدر ناکارآمد هستند که کمتر زندانی به آنها مراجعه میکند و در صورتی که زندانی موی دماغ شود در چند موردی که به چشم خود دیده ام با وقاحت تمام می گویند شما مجرم هستید و برای شکنجه و ادب شدن به زندان آمده اید و ما نمی توانیم اینجا را برای شما تبدیل به هتل کنیم و زندان بدون سختی و شکنجه و احساس درماندگی زندان نیست.

به هر شخص در هفته ۳ تا ۵ دقیقه وقت مکالمه به شرط سالم بودن تلفن داده می شود و این مشکل افراد را ترغیب به خرید موبایل می نماید ، ملاقات حضوری و امکانات آن در حد صفر است و امکان بهره مندی از آن در مورد برخی از زندانیان حتی به سالی یکبار هم نمی رسد.

ملاقات تلفنی و از پشت شیشه برای هر زندانی در هفته فقط ۱۰ دقیقه است ، ملاقات خصوصی با همسر هر ۲ ماه یک نوبت آن هم اگر ممنوع نباشد و در یک اتاق ۴ متری که در آن یک تختواب و یک پتو وجود دارد است که مدت آن کمتر از ۲ ساعت است که این امتیاز از حق وحقوق حیوانات چهار پا هم کمتر است.

اما در مورد مکاتبات و نامه نوشتن چیزی به شور مطلق و حتی نمایشی به نام نامه و پست وجود ندارد بر خلاف زندان اوین که نامه ها ثبت می شوند و تاریخ می خورند اصلا ثبت و تاریخ و درج حتی نامه های اداری زندانیان مفهوم ندارد چه برسد که کسی نامه ای پست کند و اگر کسی را نداشت واقعا با مرده زیاد فرقی ندارد.

خلاصه وضعیت بد تلفن و ملاقات چه تلفنی و چه حضوری و چه خصوصی و حتی نبود یک واحد پستی کوچک آخرین رشته های امید و ارتباط را با خانواده قطع و به فروپاشی آن کمک می کند.

**** نکبت و نفرت و فساد ****

فساد آنقدر شدید و رونده و روان در ساختار قزلحصار رخنه کرده که همه چیز را به ورطه نابودی می برد.
آنقدر به راحتی خانواده های زندانیان ضربه پذیر می شوند که قابل باور نیست سالیان سال درماندگی و مراجعات پی در پی به محدوده زندان و نداشتن همسر و پدر و نان آور و حامی فرصتی به فرصت طلبان زالو صفت می دهد که رخنه کنند.
زالوهایی که از پیکره مافیای زندان هستند و دست در دست متولیان زندان و زندانبانی در میان خانواده ها نفوذ کرده و در عین درماندگی و بی پناهی عفت و عصمت را از نوامیس زندانیان می گیرند و در طی سال صدها مورد روابط نامشروع زندانبانان با نوامیس زندانیان کشف شده که خود گواه بر این بی ناموسیها ست.

مامورین و متولیان و حتی مراقبین و در صدر آنان مددکاران که باید در نهایت شرافت به خانواده های زندانیان مساعدت رسانند در اصی نقش منحرفین فاسد و هرزه را باززی می کنند تا نقش فریاد رس و مدد رسان !!!!.

در مواردی از نوامیس زندانیان توسط شبکه های مافیایی داخل زندان بهره برداری می شود و حتی نوامیس زندانیان به شبکه های فساد هدایت می شوند که چنین اعمال نکبت باری که در پرتو بی غیرتی قانون مداران

رقم می خورد اساس نفرت و نکبت و انحطاط و انتقام را در جامعه آینده رقم می زنند که شعله آن نمی سوزاند جز فرزندان این آب و خاک را .

## ***** امور تربیتی و فرهنگی و آموزشی و ورزشی ****

امور تربیتی و فرهنگی قزلحصار فقط در اندرزگاه ۳ که در جلو چشم است و بازدیدکنندگان به آن می روند مفهوم دارد آنهم در حد فرمایشی و نمایشی. عملا کلاس درس و آموزش و کلاس و ورزش و تحصیل جایگاهی در قزلحصار ندارد ، در کتابخانه ها صدها کتاب تاریخ گذشته مذهبی وجود دارد که آنقدر کهنه و خاک خورده شده اند که قابل استفاده نیستند ، البته چند نوع روزنامه هم وجود دارد که فروشی نیست و هرازگاهی مجله های چند ماه قبل را هم می آورند ، باشگاه اندرزگاهها که پذیرای ورزشکاران است چیزی بیشتر از چند میل هارتل و دمبل ندارد که فقط از جهت خالی نبودن عریضه در باشگاه است.

## **** شکنجه و انفرادی و در بسته و بند ویژه حفاظت اطلاعات ****

در زندان قزلحصار ضرب وشتم و شکنجه و یا به فلک بستن با باتوم و دست و پا شکستن چیز پیش پا افتاده ای است. مثلا اگر از کسی تخلفی کشف شود و حمایتی داشته باشد که حق و حساب را بپردازد متخلف در کمتراز چند دقیقه به سالن باز می گردد و یا اصلا احضار نمی شود و اگر پارتی و پول و صاحب نداشت آنقدر کتک می خورد تا نتواند برای چند روز راه برود.

زدن اسپری فلفل و تسمه و کابل به سر و صورت و تن و بدن اصلا اهمیت ذکر کردن در زندان قزلحصار ندارد ، البته شکنجه کردن و زهر چشم گرفتن انواع و اقسام دارد مثلا اگر وکیل بند و سران مافیا قصد خارج کردن کسی از گردونه را داشته باشند و یا باید تنبیه شود ترتیب کار داده می شود و شخص مورد نظر را برای رو کم کردن یا مورد تجاوز قرار می دهند و یا با چاقو و قداره جوری سوراخ سوراخ می کنند که نقص عضو و یا فلج شود ولی اجازه کشتن نمی دهند و اگر درگیری شدت بگیرد طرفین دعوا را به ۲ انفرادی جداگانه می فرستند که همان سالن ۹ در تمام اندرزگاههاست .
اما سالن قرنطینه ویژه حفاظت اطلاعات که در مجاورت اندرزگاه ۳ و زیر ساختمان اداری قزلحصار قرار دارد. در این قرنطینه ویژه به افراد مشکوک به داشتن مواد مخدر در روده و معده روغن مایع و یا پر منگنات خورانده می شود و با زنجیر و پا بند و دستبند آنها را به تخت می بندند تا وقتی که تخلیه شوند.
در برخی از اتاقها ی آن نیز افراد شرور را به چوب و چماق و کابل و تسمه می بندند و در بخی اتاقهای قرنطینه ویژه نیز افراد اعتصاب غذایی از سرتاسر اندرزگاهها را می آورند و نگهداری می کنند تا با دیدن انواع و اقسام صحنه های شکنجه اعتصاب خود را بشکنند.

## **** وضعیت اتباع بیگانه و سالن اعدامیها *****

در زندان قزلحصار از کشورهای متفاوت بازداشتی و زندانی وجود دارد از هند و پاکستان و بنگلادش و افغانستان تا تانزانیا و کنیا و ساحل عاج و آفریقای جنوبی که بیشتر در سالن یک واحد نگهداری می شوند و به حبس های بلند مدت و یا ابد محکومند.
از امکانات مددکاری و مترجم و حتی روزنامه و کتاب محرومند و حتی نمی دانند که در دادگاه چه اتفاقاتی می افتد چون اصلا مترجمی برای اینکار وجود ندارد و حتی بیشتر آنها اصلا از مسائل تجدید نظر خواهی و اعتراض به حکم بدوی بی اطلاع هستند و بر اثر عدم مساعدت حتی از کمترین امکانات تماس با خانواده های خود محرومند.

اما سالن ۶ واحد ۲ که خود من نزدیک به ۳ ماه در آن به سفارش اولیای زندان اوین برای تنبیه و ارعاب نگهداری می شدم که البته تخمین زده بودند در این مدت شاید یکی از محکومین به اعدام دشنه ای در قلبم فرو کند تا انتقام اعتراضات پی در پی و تلفنهای مکرر به خبرگزاریها و افشاگریهایم در میان بازدیدکنندگان مدفون شود و به تاریخ بپیوندد و فراموش شود تا دل مافیا ییهای زندان اوین خنک شود.

بله همانگونه که عرض کردم سالن ۶ واحد ۲ محل نگهداری خطرناکترین مجرمین محکوم به اعدام و منتظرین اعدام است. نزدیک به هفتاد نفر که روز بازگشت من به اوین کمتر از ۱۵ نفر از آنان باقی مانده بود.

هم اتاقیهای من عبارت بودند از : حسین روح زاده سرکرده باند خرمالو که اتهاماتش معروف ومشهور است و اعدام شد.هم اتاق دیگر من نظیر ازبک قاتل زنان خیابانی ( بیجه ثانی متجاوز به کودکان تپه فرحزاد ) و محمود صادقی قاتلی که از مجرمین خطرناک رجایی شهر بود و یک فقره قتل در زندان نیز انجام داده بود ، عیسی محمدی قاتلی که از مجرمین خطرناک رجایی شهر بود و ۲ فقره قتل نیز در زندان انجام داده بود .

سعید .... که در پرونده مردی که همسر خود را به عقد فرد دیگری درآورده بود و در ورامین سر دختر و پسر خود را بریده بود و هر دو اعدام شدند هم جرم و هم ردیف بود و همچنین تقی خروس و چند نفر افغانی که در یک اتاق بودیم و همه منتظر حکم اعدام بودند و دهها افغانی که حتی اعدامشان تایید شده بود که پی از رفتن من اکثریت آنها را اعدام کردند.

حالا شما تصور کنید در این سالن چه خبر است من و چند نفر امثال من از جهت رعب و وحشت ماهها در بین این افراد نگهداری می شدیم ، کسانی در این سالنها نگهداری می شوند که چیزی برای از دست دادن نداشتند. راحتتر از آن چیز که یک شخص با همسر خود هم بستر شود ، افراد را در روزهای ملاقات که درب باز بود به سالن می آوردند و مورد تجاوز قرار می دادند و یا زورگیری می کردند و هر کدام دارای شمشیرهای فلزی و تیز و یا چاقوهای بلند بودند که برای هر نوع درگیری حاضر و آماده بود.

از شب و روز خبری نبود تا خود صبح از خواب خبری نیست چون هر لحظه ممکن است شخصی را برای اعدام ببرند و پس از زدن سپیده آرامش به سالن باز می گردد که دیگر اعدامی برای آنروز وجود ندارد ، مامورین جرات نزدیک شدن در مواقع اضطراری و درگیری و تشنج را به سالن ندارند. چندین جوان و مجرم و متهم کم سن و سال در این سالن وجود دارد که شبانه روز از آنان سوء استفاده جنسی می شود و جرات حرکت ندارند و یا طوری معتادشان کرده اند که قادر به رفتن نیستند.

## **** خلاصه و نتیجه ****

خلاصه و نتیجه اینکه حقا زندان قزلحصار سیسیل زندانهای ایران و مرکز اشاعه فساد و اعتیاد در سایه پست ترین مدیران و متولیان است. چه خانه ها که به دست حاکمان ناجوانمرد ویران شد و چه پدرانی که بر اثر عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی و معیشتی و شغلی به فساد کشیده شدند و از زندانهایی مانند قزلحصار سر درآوردند و افریت فساد آنها را به کام خود کشید و خانه و کاشانه هایی را که با هزاران آرزو تشکیل داده بودند را متلاشی و ویران کرد و زن و فرزند و عزیزانشان قربانی بی کفایتی ها شدند.

باشد که دست طبیعت و عدالت همچون همیشه به اراده الهی تیزبینانه و عاقبت اندیشانه و عاقلانه ریشه فساد را بخشکاند و صلح و آرامش و سعادت و امنیت را به خانه ها ارمغان بیاورد.
به امید آنروز

تقدیم به محققین اجتماعی و تک تک منجیان پنهان و پیدای حقوق بشر در سانسور ایران و جهان که در پی ایرانی آزاد و آباد و شاد هستند.

## *** شرح مشترک میان زندانهای اوین و قزلحصار و رجایی شهر ****

**تبعید و تنبیه و انتقال و فساد و ارعاب و نقض حقوق بشر و توطئه و پرونده سازی و رقم زدن و طراحی مرگ فرسایشی همگی وجه مشترک زندانهای اوین ملقب به نگین زندانهای ایران و قزلحصار ملقب به سیسیل زندانهای ایران و زندان رجایی شهر ملقب به باستیل و یا ابو غریب به توان ۲ است.**
**پر واضح است که در این ۳ زندان مخوف که مدیران آنها با هم در ارتباط تنگاتنگ هستند و بیشتر آنها در مقاطع خاصی با هم همکار بوده اند ارتباط و سنخیت ویژه ای حاکم است.**

**مثلا زندانیان در زندان اوین تهدید می شوند در صورت تبعیت نکردن از اصول جاری در زندان به هر نحو و زیر هر عنوان به زندان قزلحصار و یا رجایی شهر انتقال می یابند که مهمترین این تخلفها اعتراض به وضعیت زندان و یا ارتباط با بازرسین و بازدیدکنندگان و یا درگیری است که منجر به انتقال به زندانهای فوق می شود.**

**البته سیستم زندانبانی و مدیریتی زندانهای ایران در مقوله تله گذاری و توطئه و پرونده سازی ید بیضایی دارند از ایجاد درگیری ساختگی تا پرونده اخلال در نظم و گذاشتن مواد مخدر در اسباب و اثاثیه و لباس زندانی و یا در مراحلی تا معتاد کردن زندانیهای مزاحم با مواد مخدر و قرصهای روان گردان و یا وادار کردن و ایجاد زمینه خودکشی و در صورت اقتضاء معدوم کردن افراد از هر راهی که بیشتر وقتها معمای این مرگها لاینحل باقی می ماند چون در اواخر شب و یا نزدیکیهای صبح ساعت ۳ و ۴ در سالنهای انفرادی کسی نیست که ببیند فردی را در انفرادی در حالی که گیج دهها قرص است و چند ده سی سی متادون خورده حلق آویز می کنند و پرونده مرگش با چند امضا و اقدام به خود کشی و مرگ بر اثر آن جمع می شود.**

**البته این موارد از چند سال گذشته دیگر بسیار کم در زندان اوین و پس از آن در قزلحصار رخ می دهد و امروزه مقر اصلی این سر به نیستها زندان رجایی شهر است که مدیران و متولیان زندانهای سراسر تهران افراد را برای تادیب و سلاخی شدن به آنجا می فرستند و افرادی مانند : محمد شکاری که رسوایی به بار می آورد و سالها نوامیس و زنان و دختران دربند مردم را می فروخته و به هرزگی وامی داشته می سپارند و یا رییس حفاظت اطلاعات رجایی شهر که نام وی در دل افراد و زندانیان سراسر کشور رعب و وحشت می اندازد به نام آقای خادم که تا به حال بنا به گفته ها و شنیده ها در کارنامه خود با چراغ سبزهای نامرئی صدها نفر را که به راحتی نمی شد از بین برد صدایشان را خفه کرد به راحتی معدوم کرده است.**

**البته در هر ۳ زندان اوین و رجایی شهر و قزلحصار وجه مشترک دیگری به نام مزدور و خود فروخته وجود دارد که به ترتیب از اوین و قزلحصار و رجایی شهر شدت آن افزوده می شود ، خود فروخته ها ی اوین و قزلحصار در حد انجام قتل نیستند ولی مزدوران متولیان رجایی شهر به راحتی افراد را نقص عضو می کنند و یا مورد تجاوز قرار می دهند و یا حتی به قتل می رسانند.**

**مثلا یک زندانی معترض و موی دماغ را پس از چندین دوره تنبیه به خاطر استقامت در خواسته ها و اعمال به رجایی شهر می فرستند و تلفنی محضر شریف حاج کاظم رییس زندان و آقای خادم عرض می کنند که حاج آقا فلان زندانی را فرستادیم سفارشی از او پذیرایی کنید مدتی ما را در زندان اوین اذیت کرده.**

**زندانی به رجایی شهر می رسد و پذیرایی از او به مقدار درجه سفارش بستگی دارد. اگر سفارش درجه ۳ باشد به بند محکومین عادی و نیمه خطرناک می فرستند و با جای بد و کمبودها او را تنبیه می کنند ، اگر سفارش درجه ۲ باشد تبعیدی تنبیهی را به بند محکومین سرقت مسلحانه و محکومین خطرناک و شرور و قرصی ها می فرستند که او را با گرفتن رخت و لباس و ساعت و انگشتر و پول و خواباندن در جای بد و چندین مورد ضرب و شتم و خذاشهای کوچک و هرازگاهی در وضعیت حاد تعرض جنسی و مقداری ریختن آب جوش بر روی دست و پا و کمرش او را تنبیه می کنند که البته خوراندن ادرار و مدفوع در مواقع سفارش توسط متولیان زندان انجام می شود و در حد ضعیفتر به ریختن آن بر روی سرو صورت اکتفاء می کنند.**

اما اگر سفارش از نوع درجه یک باشد که موارد نادری در سال پیش می آید و مستقیما رییس حفاظت دورادور بر آن نظارت دارد و شخص را به سالنهای ۵ و ۱ رجایی شهر انتقال می دهند که در آن افراد منتظرین اجرای حکم اعدام و قاتلین محکوم به اعدام و دارای چندین فقره قتل در بیرون از زندان و یا حتی قاتلین مرتکب چند فقره قتل در زندان نگهداری می شوند که بیشتر آنها را با ترفندی معتاد کرده اند و برای چند گرم مواد مخدر هر کسی را به راحتی به قتل می رسانند و چیزی برای از دست دادن ندارند و این نقطه قوت برای آلت دست قرار گرفتن در راستای اهداف زندان است.

تبعیدی و تنبیهی به اتاق چنین محکومینی انتقال و به یکی از آنها خبر می دهند فلانی ۱۰ روز دیگر تاریخ اعدام و اجرای حکم توست و اولین کاری که قاتل و محکوم به اعدام انجام می دهد این است که برای اینکه یک سال دیگر زنده بماند و اعدامش به تعویق بیافتد میهمان تازه وارد و از همه جا بی خبر را سلاخی میکند و با این کار هم زندان به هدفش رسانده و هم خودش یک سال بیشتر زنده می ماند و هم اینکه با ایجاد رعب و وحشت امتیاز بیشتری در زندان بدست می آورد و زندان هم با تخلفات او کاری ندارد.

البته در برخی موارد جریانها معکوس می شود زندانیانی را که دارای شبکه و باند هستند و دارو دسته و مرید دارند و نزاع و شورش دسته جمعی به راه می اندازند در موارد بسیار استثنایی به زندان اوین و در بیشتر مواقع برای معتاد کردنشان و از بین بردنشان به صورت فرسایشی به زندان قزلحصار می فرستند که در بیش از ۹۹% موارد موفق هم می شوند و شرورهای بسیار خطرناک را در کمتر از یک سال تبدیل به مرده متحرک و متعاد بدرد نخور میک کنند که یال و کوپال ندارد که همه این نقل و انتقالها به غیر از ماهیت حقیقی در مواردی دارای ماهیت حقیقی نیست و بیشتر پرونده سازی است که متولیان زندانها با همکاری اطرافیان تدارک می بینند.

مثلا گواهی شورش و یا قصد فرار و تحریک زندانیان و یا اخلال در نظم و یا توهین به مقدسات و سران کشور و یا روحانیت و یا استعمال و خرید و فروش و نگهداری مواد مخدر که تدارک سند و مدرک و تنظیم سند برای انتقال از آب خوردن راحتتر است ومتولی و قاضی و ناظر که سند انتقال را امضا می کنند فارغ از صحت و سقم مدعای زندان سند مرگ و نابودی و تنبیه خارج از شئون قانونی را امضا میکند و جنایتی در حق شخصی به خاطر توطئه و خود خواهی رقم می خورد که کسی هم در نهایت به عوارض و پیامدهای آن پاسخگو نیست.

(( شاید افرادی تصور کنند درمورد حقایق اغراق شده ولی چنین تصوری شایسته نیست بلکه جای شرمندگی است که یکی از هزاران وقایع را آنطور که شایسته و بایسته است ننوشته ام.
شرمنده ام. ))

جهت در یافت اطلاعات بیشتر لطفا با مجموعه فعالان حقو ق بشر در ایران تماس حاصل فرمائید .

**Website: www.Hra-Iran.Org**
**Tel: 0098 – 21 – 88061309**
**Email: info@Hra-Iran.Com**